

آثار تربیتی و اخلاقی نماز جمعه در منابع تفسیری و روایی مذاهب اسلامی

عبد المؤمن امینی^۱

چکیده

نماز جمعه مجموعه از اذکار و احکام الهی بوده و در تربیت جانهای آدمیان، رشد فکری و سیاسی آنها تأثیر شگرف و فراوانی دارد. تحقیق حاضر به شیوه مقایسه‌ای و با استفاده از منابع معتبر تفسیری و روایی مذاهب اسلامی سامان یافته و آثار تربیتی آموزه عبادی و اخلاقی نماز جمعه را مورد بحث و بررسی قرار داده است. قرآن پژوهان و حدیث شناسان مذاهب اسلامی با استفاده از آیات سوره جمعه و روایات وارده در تفسیر و بیان برکات این فریضه الهی، نماز جمعه را یک عبادت سیاسی و دسته جمعی دانسته‌اند که در دور نگهداشتن افراد جامعه از مفساد اخلاقی و منکرات و تقویت روحیه تقوا و پرهیزکاری نقش به سزایی دارد. آنان نماز جمعه و خطبه‌های آن را ذکر الهی و مایه آرامش روانی در فرد و جامعه دانسته‌اند که انسانهای مؤمن با اقامه این فریضه عبادی و سیاسی آرامش یافته و با کمال اطمینان و بدون دلهره، به حیات خویش ادامه می‌دهند و چنانکه عالمان مذاهب اسلامی از دیگر آثار این فریضه جمعی اسلام، تمایز و جدا ساختن صف خودیها از غیر خودی و شناخت مؤمنان واقعی از منافقان و افراد منضبط و قانونمدار از آدمهای متخلف و قانون شکن در جامعه دینی را، برشمرده‌اند که افراد خاطی با رویگردانی از عبادت جمعی، حریم مردم مسلمان را می‌شکنند و باورهای آنان را به سخریه گرفته و راه نفاق می‌پیمایند و دین اسلام چنین افرادی را در زمره مؤمنان راستین به شمار نیاورده است.

واژگان کلیدی: نماز جمعه، آثار اخلاقی، تربیتی، تفسیری، روایی و مذاهب اسلامی.

اسلام در سازندگی روح و روان آدمی و تربیت افراد جامعه اسلامی، علاوه بر توجهی که به رفاه و آسایش مادی آنها دارد، زیر بنای فکری و اجتماعی آدمیان را در مورد امور معنوی و توجه به حقایق و تربیت نفوس و تزکیه و تهذیب جانها معرفی می‌نماید و در راه تأمین نیازهای معنوی انسان، برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت ترتیب داده است که این برنامه‌ها در عبادات روزانه (نمازهای یومیه) هفتگی (نماز جمعه) و فصلی (روزه ماه مبارک رمضان) و موسمی (عید فطر و قربان) و سالانه (حج) محقق شده است. یکی از این برنامه‌های معنوی، نماز با شکوه و دشمن شکن جمعه است.

در مراسم هفتگی اجتماع مسلمانان جهان اسلام، نماز جمعه جایگاه والایی دارد و نه تنها یک عبادت، بلکه مظهر وحدت امت اسلامی و شکوه و عظمت اسلام است و این برنامه معنوی اجتماعی، آگاهی پیروان قرآن را بالا برده و از آموزه‌های مهم و تأثیر گذار عبادی و تربیتی دین اسلام محسوب می‌شود.

نماز جمعه، مجموعه از اذکار، مقدمات و مقارنات بوده و دارای آثار معنوی و رشد فکری و سیاسی فراوان برای ملت مسلمان است که از عمق والای تربیتی برخوردار است و به منظور هدایت تمام افراد مسلمان، بر شیوه رفتاری متناسب و مورد قبول اسلام صورت می‌پذیرد. این فریضه الهی، یک عبادت ساده و معمولی نیست و بلکه منصب الهی و حکومتی بوده و وسیله مطمئنی است برای سازندگی روح و تحصیل آرامش روان و استمداد معنوی از خالق جهان و یک عامل نیرو بخشی است برای حل مشکلات مادی و معنوی و پیوندی است، میان انسان محدود و متناهی با مبدأ نامحدود و لایتناهی که در راستای تعالی روحی و تذکیه جانهای آدمیان نقش اساسی ایفا می‌کند. فضای روحانی و مقدسی که شعاع نماز جمعه را احاطه کرده است؛ در وجود فرد و جامعه تأثیر تربیتی خاصی دارد؛ چه اینکه روایات فراوانی وجود دارد که با اقامه نماز جمعه، دلالت بر ایجاد و تحقق معنویت و روحانیت در آحاد مردم جامعه می‌کند و رسول خدا (ص) نماز جمعه را حج فقرای امت خویش معرف نموده است.^۱ معنویت و روحانیتی که اسلام مردم را به سوی آن فرا می‌خواند تا از روز پنجشنبه مهیای شرکت در مراسم باشکوه نماز جمعه شده و با انجام این آموزه‌ی الهی تذکیه نفس نموده و خود را از اسارت خواسته‌های شهوانی رهایی بخشند.^۲ به موجب دسته‌ای از احادیث، روز جمعه عید مسلمانان به شمار آمده است.^۳ و برخی از روایات، گام بر داشتن به سوی نماز جمعه را، حرکت به سوی بهشت تلقی نموده است.^۴

مفاد و مضمون چنین روایاتی، نقش سازندگی و تربیتی نماز جمعه را به خوبی نشان می‌دهد؛ چرا که در سایه چنین معنویتی است که فرد در هنگام رفتن به سوی نماز جمعه، احساس می‌کند که به کانون تربیت وارد شده و در رفتار و گفتار او نقش مؤثری به جا می‌گذارد. در این قسمت از بحث، به بررسی ابعاد تربیتی و آثار معنوی نماز جمعه، با استفاده از آیات مربوط به نماز جمعه و دیدگاه مفسران و روایات منقول در جوامع روایی مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود و نخست آثار تربیتی و انسان ساز نماز جمعه را از منظر مذهب امامیه مورد کاوش قرار داده و سپس به بررسی رویکرد دیگر مذاهب اسلامی در باره آثار تربیتی فردی و اجتماعی این فریضه سیاسی و عبادی، می‌پردازیم.

آثار تربیتی و اخلاقی نماز جمعه از منظر مذاهب اسلامی

نماز جمعه یک عبادت بزرگ و دسته جمعی اسلام بوده و با ارزشهای فراوانی که دارد، زمینه لازم را برای دور نگهداشتن نمازگزاران و افراد جامعه از مفساد اخلاقی و منکرات آماده ساخته، و روحیه تقوا و پرهیزکاری را در آنان تقویت می‌کند. این فریضه عبادی و سیاسی شکوهمند، همراه با دو خطبه بوده که به جای نمازظهر تشریح گردیده و از مقام و منزلت ممتازی عبادی در پیشگاه خداوند بر خوردار است و آثار و برکات سازنده تربیتی و اخلاقی فراوانی دارد که در ادامه بحث، به بیان تأثیرات معنوی و اجتماعی آن با استفاده از روایات و نظریات تفسیری عالمان مذاهب اسلامی می‌پردازیم.

۱. ذکر بودن نماز جمعه و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه امامیه

نخست واژه ذکر را مفهوم شناسی نموده و سپس به بیان روایات مرتبط با این موضوع پرداخته و رویکرد تفسیری عالمان مذاهب اسلامی را نیز، در مورد ذکر بودن نماز جمعه و تأثیر تربیتی و اخلاقی این آموزه فقهی و اخلاقی در تربیت افراد جامعه، مورد بررسی و تحلیل قرار داده می‌شود.

الف. تفاسیر

واژه ذکر در لغت به معنای حفظ شیئی و یادآوری در ذهن است و ضد آن نسیان و فراموشی بوده^۵. و نیز به معنای دعا، ثناء و نماز آمده است.^۶ این لفظ در اصطلاح مفسران امامیه به معنای حضور معنا در نفس آدمی و ضد غفلت بوده^۷ و ذکر لفظی از مصادیق ذکر قلبی به شمار آمده است.^۸ به نظر می‌رسد که دلیل آنها این است شخصی که در قلبش به یاد کسی نباشد، در زبان نیز به یاد او نیست؛ بر اساس این رویکرد ذکر یک قسم بوده و آن ذکر قلبی است؛ اما برخی دیگری از اندیشمندان اسلامی، ذکر را به اعتبار ابزار آن به گونه‌های مختلف مانند ذکر لسانی، اعضا و جوارحی، ذکر نفس، قلبی، روحی و سّری تقسیم نموده است^۹ که آدم ذاکر با یافتن معبود و مذکور

خویش و دوری از غفلت و گناه، به سعادت و رستگاری می‌رسد. خداوند در سوره جمعه، همه مسلمانان را مخاطب قرار داده و می‌فرماید « ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می‌شود به سوی ذکر خدا (خطبه و نماز) بشتابید». این آیه شریفه، نماز و خطبه‌های جمعه را، ذکر و مایه تقرب بندگان به سوی ذات باری دانسته است و به مردم فرمان می‌دهد هنگامی که صدای اذان نماز جمعه را، در این روز با برکت شنیدند، موظفند که کسب و کار را رها کرده و به سوی نماز که مهمترین یاد خداوند است بشتابند.^{۱۰} طبرسی با بیان رویکردهای مختلف در شرح و تفسیر آیه جمعه، اظهار می‌دارد که مراد از لفظ ذکر در آیه شریفه، خطبه‌های نماز بوده که متضمن نکات اخلاقی و مواعظ سودمند است و برکات و آثار تربیتی خاصی در روح انسان بر جا می‌گذارد و برای نمازگزار لازم و بایسته است که هنگام حضور برای انجام این فریضه الهی همراه با خشوع باشد و نیت را برای خداوند خالص نموده و سکینه و وقار را رعایت نماید.^{۱۱} از این رو ذکر، عامل طمأنینه نفس آدمی بوده و آن گاه که قلب انسان به یاد محبوب حقیقی به آرامش رسیده و انس گرفت، تمام مطلوب را یافته و در خود خلایی احساس نمی‌کند و به یاد خداوند و به عفو و رحمت او آرام می‌گیرد.

ب. روایات

حقیقت ذکر زیباترین حال برای انسان بوده و شخص ذاکر همیشه خود را در حضور خداوند دیده باشد و حائلی میان خود و خدا تصور نمی‌کند. انسانی که نور محض و کمال مطلق و علم و قدرت و جمال و جلال حق را با دیده دل مشاهده کند و با او انس بگیرد، صورت قلبش صورت ذکر حق می‌شود و آثار ایمان از سراسر وجودش متجلی می‌گردد و به چیزی که خلاف رضای اوست، نمی‌اندیشد. حضرت امیرمؤمنان (ع) مداومت بر ذکر را، غذای جانها و کلید صلاح و سداد دانسته است.^{۱۲} آن حضرت در روایت دیگر تأکید فرموده که در ذکر خدا « زبان، قلب و عمل» باید همسان عمل کنند و اگر آهنگ متضاد داشته باشند، حقیقت ذکر تحقق نیافته است.^{۱۳} رسول خدا (ص) فرمود: « روز قیامت فرزندان آدم، بر آن ساعت و زمانی که در دنیا از آنها گذشته و به ذکر و یاد خداوند نبوده‌اند، حسرت خورده و اندوهگین می‌شوند.^{۱۴} ملاصالح مازندرانی لفظ ذکر در این کلام حضرت علی (ع) « و اذکر الله ذکرا خالصا» را به ذکر لسانی، قلبی و اطاعت از فرامین الهی تفسیر نموده و معتقد است که ذکر واقعی آنست که به دور از ریا و سمعه باشد و این نوع از ذکر زمینه رشد و کمال آدمی را فراهم نموده و باعث نجات انسان از عذاب الهی می‌شود.^{۱۵} امیرمؤمنان (ع) ذکر را، نور قلب، کلید انس، همنشینی با محبوب و لذت مجبان می‌داند و هرکسی

که یاد خدا کند، خداوند قلبش را زنده می سازد و عقل و خردش را روشنی می بخشد.^{۱۶} بنابر این کسانی که عزت بندگی و لذت ذکر را یافته اند و با سرمایه ایمان به استغنا روحی رسیده و شیفته جمال محبوب شده اند و از معنویت لبریز و از حقیقت سرشار گشته و با یاد خداوند، هجوم و وسوسه شیطان را دفع کرده و از تسویلات نفس اماره در امان مانده اند.

۱. ذکر بودن نماز جمعه و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه اهل سنت:

۱.۱. از نگاه مذهب حنفی

عالمان اهل سنت حنفی در آثار اخلاقی و تفسیری خویش نیز واژه ذکر را، مفهوم شناسی نموده و به تأثیر و نقش تربیتی و انسان ساز این آموزه اخلاقی، اشاره کرده اند که به قرار زیر بدان پرداخته می شود.

الف. تفاسیر

لفظ ذکر در اصطلاح عالمان حنفی نیز ضد غفلت بوده^{۱۷} و ابواللیث سمرقندی برای ذکر الاهی پنج خصلت ذکر نموده و اظهار می دارد که حقیقت ذکر دارای پنج خصوصیت و ویژگی چون زمینه ساز جلب رضایت خداوند و وسیله ازدیاد توفیق در طاعت، مانع نفوذ شیطان، و باعث نرمی و رقت قلب آدمی شده و شخص ذاکر را از گناهان و معصیت باز می دارد.^{۱۸} اصولاً روح همه عبادات و نیایش با خداوند را، ذکر و یاد خداوند شکل می دهد. افعال، مقدمات، تعقیبات و بقیه اذکار و برنامه های فریضه الاهی و عبادی نماز جمعه در حقیقت یاد خداوند بوده و توجه و ذکر خداوند را در دل انسان زنده می کند. خداوند متعال نیز دستور اقامه نمازهای یومیه، نماز جمعه و سایر فرایض دینی را بر اساس این آیات شریفه که می فرماید «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^{۱۹} و «الذکر لله»^{۲۰} نماز را برای یاد من پیادار. و بسوی من بشتابید. برای آن داده است تا بندگان همیشه ذاکر بوده و به یاد معبود و یگانه آفریدگار خویش باشند. ابواللیث سمرقندی در ذیل آیه یاد شده، حقیقت اقامه نماز را ذکر خداوند دانسته است.^{۲۱} همچنین حقی حنفی، ذکر را دارای سه مرتبه دانسته و نخستین مرتبه ذکر، پاک ساختن و زدودن عقائد فاسد از قلب است که از آن به تذکیه تعبیر می شود و مرتبه دوم ذکر، شناخت حضوری اسماء و صفات الاهی بوده که مراد از ذکر همین بخش از اعمال آدمی است؛ زیرا ذکر قلبی چیزی جز معرفت نیست و قسم سوم از ذکر، اشتغال به انجام فرایض و طاعت خداوند است که همراه با خضوع و خشوع بوده و از آن به نماز تعبیر می شود و کسی که قلبش به معرفت الاهی نورانی شود، آثار آن در قالب خضوع در اعضا و جوارحش نمایان می گردد.^{۲۲}

ب. روایات

محدثان اهل سنت حنفی ذکر را با توجه به ابزار و مراتب آن به ذکر قلبی، لسانی و جوارحی تقسیم نموده و نماز جمعه را با استناد به این فراز از کلام خداوند که می‌فرماید « فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ » ذکر جوارحی دانسته که شخص ذاکر، غرق در طاعات الهی بوده و مشغول تسبیح، حمد و ستایش خداوند است.^{۲۳} ابن ابی شیبہ، با استناد به دسته‌ای از احادیث نبوی، لفظ « سعی » در آیه شریفه نماز جمعه را، مطلق شتاب و تند قدم گذاشتن و راه رفتن ندانسته و معتقد است که مراد از این لفظ، راه رفتن همراه با متانت و وقار بوده و نمازگذار در برپایی نماز جمعه اهتمام و جدیت به خرج داده و با قلب خاشع و ضمیر مطمئن به سمت نماز جمعه راه می‌افتد.^{۲۴} رسول‌خدا (ص) برترین اعمال از نظر ثواب را ذکر الهی در همه حالات دانسته است؛ که آدم ذاکر در حال قیام و راه رفتن، نشستن، به صورت سری و علنی، خاشع و خاضع بوده و هنگام خوشحالی و وسعت در زندگی و در زمان غم و تنگدستی، مشغول ذکر خداوند است و قلب و لسانی او لحظه از یاد و ذکر ذات باری غافل نیست.^{۲۵}

۱،۲. از نگاه مذهب شافعی

اندیشمندان پیروی مذهب شافعی نیز، نماز جمعه را ذکر الهی دانسته و برای لفظ ذکر و این فریضه معنوی، آثار تربیتی و اخلاقی بسیار ذکر نموده‌اند که در این قسمت از بحث به صورت گذرا به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

الف. تفاسیر

همچنین لفظ ذکر در آثار اخلاقی و تفسیری عالمان شافعی در برابر غفلت به کار رفته^{۲۶} و به معنای جاری کردن الفاظ ذکر و تذکیر بر زبان است که از مراتب ذکر قلبی به حساب می‌آید.^{۲۷} نماز جمعه ذکر الهی بوده و فخر رازی در بیان حکمت تشریح نماز جمعه به عنوان عبادت و ذکر خداوند، بر این باور است که خداوند زمانی که دست به خلقت موجودات زده و همه خلایق را از عدم به وجود آورد و به همین خاطر روزی از ایام را برای شکر گذاری و یاد آوری نعمت الهی انتخاب نموده است و مسلمانان روز جمعه را برای عبادت و شکر گذاری برگزیدند. از آنجایی که مدار تعظیم خداوند نماز بوده و این عبادت مخصوص را در وسط این روز تشریح نمود تا مردم به صورت جمعی در مسجد دور هم جمع شده و شکر گذار نعمت الهی باشند.^{۲۸} وی در بخش دیگری از سخنانش در مورد راز تکرار واژه ذکر در آیات مربوط به نماز جمعه،^{۲۹} اظهار می‌دارد که مراد از ذکر اولی خطبه‌ها و نماز جمعه بوده که با تجارت قابل جمع نیست و معنای ذکر دوم با تجارت و معاملات در تنافی نبوده و مردانی هستند که در عین تجارت، از یاد خداوند و اقامه نماز غافل نمی‌شوند.^{۳۰} آلوسی شافعی نیز مراد از ذکر در آیه شریفه را، از باب اطلاق بعضی بر کل مانند

اطلاق ذکر بر نماز، خطبه‌ها دانسته و یا به این دلیل که خطبه نماز جمعه، محل ذکر و یاد خداوند است.^{۳۱} همچنین بغوی شافعی، لفظ ذکر در آیه جمعه را، به معنای موعظه و خطبه‌های نماز جمعه دانسته است؛^{۳۲} چنانکه شربینی شافعی، مراد از « ذکر الله»، را در آیه شریفه، عام دانسته است که شامل دو خطبه پیش از نماز و خود نماز جمعه می‌شود.^{۳۳} آنان بر این عقیده‌اند که خطبه‌های نماز جمعه به نوعی آمیخته با ذکر و یاد الاهی بوده و بخش از نماز جمعه را تشکیل می‌دهد.

ب. روایات

عالمان شافعی در پاره‌ای از آثار روایی و اخلاقی خویش بابتی را در قالب « بَابُ الذِّكْرِ وَالذُّعَاءِ »^{۳۴} در باره فضائل ذکر و آثار تربیتی و اخلاقی آن، مطرح کرده و دسته‌ای از احادیث رسول خدا (ص) که در زمینه ذکر وارد شده است را، جمع آوری نموده و شرح داده‌اند. ابن حجر عسقلانی به نقل از فخر رازی، ذکر را به لسانی، قلبی و جوارحی تقسیم کرده و معتقد است که مراد از ذکر لسانی، الفاظ و عباراتی است که دلالت بر تسبیح و تحمید ذات باری نموده و به گونه‌ی که بتوان با آن خداوند را حمد و سپاس گفت و ذکر قلبی آنست که شخص ذاکر و سالک در ادله ذات و صفات الاهی تفکر کرده و با تکالیف و اوامر خداوند آشنا شده و با ذکر جوارحی فرایض و نواهی خداوند را امتثال و ترک کرده و مستغرق در طاعات الاهی می‌شود. وی در بخش دیگری از سخنانش، ذکر قلبی را کامل‌ترین نوعی ذکر دانسته و اظهار می‌دارد از همین روست که خداوند در فرازی از کلامش که می‌فرماید « فاسعوا إلی ذکر الله » فرایض یومیه و به ویژه نماز جمعه را ذکر نامیده است^{۳۵} و نماز گزار در طول شبانه روز و هفته‌ی یکبار با انجام نمازهای شبانه روز و فریضه اجتماعی روز جمعه، به یاد خداوند بوده و نفس خویش را تذکیه نموده و زنگار گناه را از دلش پاک می‌کند. ابن حجر عسقلانی، طبق یک حدیثی از ابی هریره و از پیامبر خدا (ص) آورده است که آن حضرت به نقل از خداوند می‌فرماید « أنا عند ظن عبدی بی وأنا معه إذا ذکرنی، فإن ذکرنی فی نفسه ذکرته فی نفسی ».^{۳۶} هنگامی که یقین بنده‌ام نسبت به من کامل شد من نزد او بوده و هرگاه به یاد من باشد من نیز به یاد اویم و اگر انسان ذاکر در اعماق جاننش به یاد خداوند باشد خدای متعال نیز دل او را نورانی نموده و مشمول فیض خویش قرار می‌دهد. همچنین معاذ بن جبل از رسول خدا (ص) آورده است که حضرت فرمود « مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَنْجَى لَهُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ »^{۳۷} هیچ عملی برای بنی آدم نجات بخش‌تر از عذاب خداوند، از ذکر الاهی نیست؛ از این رو یاد خداوند و نماز جمعه، داروی معنوی بوده و مایه تذکیه روح آدمی شده و دل‌های مؤمنان را به یگدیگر الفت داده و پیوند می‌دهد.

۳-۱- از دیدگاه مذهب مالکی

متفکران پیروی مذهب امام مالک نیز با استفاد از آیات مرتبط با ذکر و آیات سوره جمعه و روایات وارده در این موضوع، ذکر و آثار معنوی آن را، مورد بحث قرار داده‌اند که در ادامه در دو محور به صورت اختصار به بیان آن می‌پردازیم.

الف. تفاسیر

عالمان مالکی، حقیقت ذکر را به طاعت الاهی و امتثال اوامر او و دوری از گناهان تفسیر نموده‌اند.^{۳۸} ابن عاشور تونسلی، لفظ ذکر در آیه شریفه جمعه را تنها به نماز جمعه معنا کرده است؛^{۳۹} اما عبدالرحمن ثعالبی، لفظ ذکر در آیه « الی ذکرالله » را به موعظه و مطالب سودمند خطبه‌های جمعه تفسیر کرده است.^{۴۰} وی در جای دیگر ریشه همه خطاها و رفتار ناصواب آدمی را حب دنیا بر شمرده و مهم‌ترین اسباب و عامل نجات انسان را، دل‌کندن از محبت و زخارف دنیا دانسته و اظهار می‌دارد که یگانه راه وصول به سعادت و لقاء الاهی در آخرت، منوط به تحصیل محبت و انس پیدا کردن با یاد خداوند در دار دنیا است. به نظر او، رسیدن به محبت ذات باری، تنها از طریق معرفت او ممکن است و به دست آوردن معرفت خداوند نیز، فقط بر اثر دوام ذکر و تفکر در آثار و صفات خداوند به دست می‌آید.^{۴۱} همچنین قرطبی مالکی، لفظ ذکر در این جمله از آیه شریفه را که می‌فرماید « وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا » پس از آنکه نماز جمعه به پایان رسید و در روی زمین پراکنده شدید، خداوند را بسیار یاد کنید. به طاعت تفسیر کرده و بر این باور است که برای نمازگزار واجب و بایسته است که خداوند را در برابر نعمتهای مادی و معنوی که بر وی ارزانی داشته و نیز به خاطر توفیق انجام فریضه جمعه را که بر او داده است، سپاس‌گزاری کرده و ستایش نماید.^{۴۲} وی به نقل از سعیدبن جبیر، حقیقت ذکر را، مرادف با طاعت خداوند دانسته و تصریح می‌کند، کسی که فرمانبردار خداوند باشد، اهل ذکر بوده و سرپیچی از دستورات خداوند با حقیقت ذکر منافات دارد و هرچند که در زبان و به حسب ظاهر، بسیار ذکر و تسبیح بگوید.^{۴۳}

ب. روایات

عالمان پیروی مذهب مالکی نیز ذکر و یاد الاهی را برترین اعمال دانسته‌اند که باعث آمرزش گناهان آدمی شده و انسان را به رؤیت باطنی رسانده و حضور ذات باری را در زندگی خویش درک و حس می‌کند. مالک بن انس، لفظ سعی را در آیه شریفه سوره جمعه، به افعال و اعمال عبادی تفسیر نموده و بر این باور است که ذکر و یاد الاهی آرامبخش دلها بوده و نشاط و سلامتی انسان را فراهم می‌کند.^{۴۴} یوسف بن عبدالله قرطبی، به نقل از ابی‌هریره و با استناد به حدیثی از رسول خدا (ص) آورده است که کسی روزی صد مرتبه کلمه توحید و ذکر « مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» را بر زبان جاری کرده و به آن مداومت داشته باشد، به اندازه آزاد کردن ده بنده ثواب داشته و خداوند صد حسنه و پاداش در پرونده اعمال وی ثبت نموده و صد گناه را از آن پاک و آمرزیده می‌سازد و هیچ کس به این درجه از عمل برتر دست نمی‌یابد، جز کسانی که به این ذکر عمل نمایند. به نظر او، این حدیث گواه و دلیل است بر اینکه ذکر و ستایش خداوند از میان سایر اعمال حسنه، برترین عمل به حساب آمده است.^{۴۵} همچنین ابن عبدالبر، با استناد به دسته‌ای از احادیث نبوی اظهار می‌دارد که ذکر دارای فضائل فراوان بوده و آثار سازنده روحی و اخلاقی بسیار مانند آرامش قلب، روشنی دل، ترس از نافرمانی الهی و... را برای عبد سالک در پی دارد. وی با تمسک به این کلام خداوند که می‌فرماید « إِنْ الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ »^{۴۶} نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد. ذکر و یاد خداوند را برتر از نماز دانسته است. ابن عبدالبر، این گفته خویش را به نقل از ثوری و ابی‌مالک، مستند به حدیث رسول‌خدا(ص) نموده که معنای ذکر عبد سالک، رب مالک را بدین مفهوم است که پیامبرخدا(ص) به نقل از خداوند می‌فرماید « هرگاه بنده‌ام اخلاص پیشه نموده و تنها به یاد من باشد، من نیز به یاد بنده‌ام بوده و او را کفایت می‌کنم و اگر در جمع به یاد من باشد من نیز او را مشمول فیض و رحمت خویش قرار داده و پاداش بنده‌ام را به صورت کامل می‌دهم.^{۴۷} بنابر این آموزه ذکر برترین و با فضیلت‌ترین عمل در اسلام بوده و محور و قطب^{۴۸} سایر مباحث و گزاره‌های اخلاقی و تربیتی به حساب می‌آید و در تذکیه روان آدمی، نقش مؤثر و اساسی دارد.

۴-۱- از نگاه مذهب حنبلی

عالمان حنبلی نیز در باره ذکر و آثار معنوی آن، مباحثی مفید و ارزشمندی را در منابع تفسیری و حدیثی خویش مطرح نموده‌اند که به صورت اختصار، به پاره‌ای از این مباحث، به قرار زیر پرداخته می‌شود:

الف. تفاسیر

قرآن پژوهان حنبلی نیز در باب ذکر و نماز جمعه، همانند دیگر عالمان اهل سنت، سخن گفته و اقامه فریضه جمعه را برای هر فرد مسلمان و مؤمن واجب می‌دانند. ابن جوزی حنبلی، پس از آنکه لفظ « سعی » در آیه شریفه سوره جمعه را، به مشی و راه رفتن، نیت قلبی و عمل تفسیر نموده است، به نقل از عکرمه و ضحاک، رویکرد اینکه واژه سعی به معنای عمل صالح باشد را، مورد تحلیل قرار داده و معتقد است که در این صورت معنای جمله « فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ » این می‌شود که مؤمنان

همواره و در تمام مراحل زندگی اعم از مسرت و خوشی و یا در حالت غم و تنگدستی، در حال ذکر و به یاد خداوند باشند. وی لفظ ذکر در جمله « الی ذکرالله » را، به نقل از دیگر قرآن پژوهان، به معنای نماز جمعه و یا خطبه‌ها، مواعظ و مباحث اخلاقی و تربیتی این فریضه عبادی و سیاسی دانسته است.^{۴۹} همچنین ابراهیم ثعلبی در ذیل آیه سوره جمعه، ذکر را از مهم‌ترین مسائل اخلاقی و مباحث مطرح در نماز جمعه بر شمرده و بر این باور است که کسی بر اثر مداومت به ذکر الاهی رابطه میان خود و خدایش را اصلاح نماید و خداوند تمام حاجات و خواسته‌های بنده سالکش را بر آورده ساخته و رابطه او با همه مردم را اصلاح کرده و امورش را کفایت می‌کند.^{۵۰} محمد علی صابونی نیز لفظ ذکر در آیه شریفه جمعه را به معنای استماع خطبه‌های نماز و انجام فریضه روز جمعه دانسته است.^{۵۱}

ب. روایات

عالمان حنبلی اهل سنت، حقیقت ذکر را به معنای حضور قلب دانسته و معتقدند، سزاوار و بایسته است که عبد سالک با حضور قلب ذکر گفته و در راه تحصیل آن تلاش کرده و در هنگام گفتن ورد و ذکر، به معانی الفاظ ذکر و کیفیت آن که بر زبان جاری می‌کند خوب تعمق و تدبر نماید.^{۵۲} و شخص ذاکر آنچه را که بر زبان می‌گوید خوب روی آن فکر کرده و بیندیشد تا برکات و آثار آن مایه روشنی دل ذاکر شده و به مقام عندالرب نایل شود. احمد بن حنبل، به نقل از سعید بن مالک و از رسول خدا (ص) آورده است که بهترین ذکر آنست که خفی و نفسانی گفته شود.^{۵۳} ذکر خفی دو اطلاق دارد یکی ذکر نفسانی بوده و انسان در نفس خودش متذکر خداوند و انوار او باشد؛ دیگری اینکه به ذکر پنهانی و خلوت به گونه‌ای که کسی انسان را نبیند و صدای ذاکر را نشنود نیز اطلاق ذکر خفی می‌شود. وی در حدیث دیگر از پیامبر خدا (ص) نقل کرده است که شخصی از آن حضرت پرسید با فضیلت‌ترین و محبوب‌ترین بندگان از نظر جایگاه و مقام نزد خداوند چه کسانی است؟ رسول خدا (ص) فرمود « کسانی که بسیار به یاد خداوند باشند ».^{۵۴} همچنین ابن حنبل در حدیث دیگر به نقل از ابی هریره از رسول خدا (ص) آورده است که همانا خداوند را، فرشتگانی سیار و دوره‌گردی است که خواهان مجالس ذکر بوده و در پی آن می‌گردند و هنگامی که گروهی را بیابند که در جمع آنان ذکر گفته می‌شود، کنار آنان نشسته و اهل ذکر را توسط بالهایشان در آغوش می‌گیرند.^{۵۵}

۲. تأثیر روانی و آرامش روحی نماز جمعه در فرد و جامعه از نگاه امامیه

اضطراب و نگرانی یکی از بزرگترین بلاهای زندگی آدمی بوده و عوارض و آسیبهای ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی جامعه بشریت محسوس و روشن است. آرامش و وجود امنیت در

جامعه از گم شده‌های مهم بشر بوده و انسانها تلاش نموده‌اند تا راهی رسیدن به این نعمت با ارزش را به دست آورند. در این بخش از نوشتار، به بررسی تأثیرات روانی و اعتماد آفرینی نماز جمعه با بهره‌گیری از منابع روایی شیعه و اهل سنت و رویکرد عالمان مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود.

الف. تفاسیر

آرامش و دلهره نقش بسیار مهمی در سلامت و بیماری فرد و جامعه و سعادت انسانها دارد و این امر مهم چیزی نیست که بتوان از کنار آن به آسانی گذشت. آدمی هر روز با دهها غم و اندوه و یا خوشی و لذت مواجه بوده و در مواردی، شدت این حالات روحی به حدی است که انسان را از توجه به مرکز دایره هستی باز داشته و به پریشانی و اضطراب دائمی دچار می‌کند؛ از این رو آفریدگار عالم و آدم با شناختی که از انسان دارد، در یک جمله پرمعنا و کوتاه مطمئن‌ترین راه نجات از آشفتگی روانی را به بندگانش نشان داده و می‌فرماید «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۵۶} اینان افرادی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است، آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. این کلام الاهی بیانگر این حقیقت است که تنها نام خداوند را بر زبان آوردن و تسبیح و تهلیل گفتن مایه آرامش نبوده و آنچه که سکینه روحی به انسان داده و امنیت اجتماعی را در جامعه تأمین می‌کند، انسان با تمام قلب و وجود متوجه ذات الاهی و عظمت او شود و خداوند را، حاضر و ناظر اعمال خویش بداند و این باور و رفتار، باعث آرامش در وجود و روان انسان می‌شود. نگرانی و اضطراب گاهی بر اثر عوامل مانند آینده تاریک و احساس ضعف و ناتوانی، افکار انسان را به خود مشغول نموده و خود نمایی می‌کند؛ اما انسانهای مؤمن و پارسا که در اسارت دنیا گرفتار نشده‌اند، با اتکال به قدرت مطلقه الاهی و رحمت واسعه او، بر همه نگرانی‌ها غالب شده و به این باور رسیده‌اند که قدرت الاهی برترین قدرت‌ها بوده و هیچ نیروی در برابر آن یارای مقاومت را ندارد، قلبش آرام می‌گیرد و معتقد است که من در سایه خدایی قادر و مهربان زندگی می‌کنم.^{۵۷} شیخ طوسی، ذکر الاهی را مایه آرامش دانسته و معتقد است که مؤمنان با انجام فرایض دینی مانند نماز جمعه با خداوند انس گرفته و به وعده‌های خداوند در زمینه اعطای ثواب و نعمتهای او ایمان داشته و اطمینان دارند.^{۵۸} چنانکه علامه طباطبایی، ذکر در آیه نماز جمعه را ذکر قلبی و هدف نهایی مترتب بر اقامه این فریضه الاهی دانسته که مایه آرامش روحی، نشاط و سلامتی در زندگی شده و مفتاح همه کارهای خیر و زمینه سعادت و تکامل انسان را فراهم نموده و مانع انجام منکرات و گناهان می‌شود.^{۵۹}

ب. روایات

بخش از جوامع روایی امامیه، به روایات مربوط به نماز جمعه اختصاص یافته و در میان این دسته از احادیث روایاتی وجود دارد که اقامه فریضه جمعه را، وسیله آرامش روانی در میان مؤمنان و سبب اعتماد آفرینی و ایجاد امنیت روانی در جامعه اسلامی دانسته است. امام صادق (ع) ضمن روایتی فرمودند « باید در این روز (جمعه) بر انسان، آثار آرامش و وقار مشاهده گردد این وقار و سکون آرامش با شرکت در نماز جمعه فراهم می‌شود.^{۶۰} همچنین زراره، طی حدیثی از امام باقر (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود «... به هنگامی که وقت زوال فرا رسید، برای ادای فریضه جمعه، به پای خیز و بر تو باد به رعایت وقار و آرامش خاطر». ^{۶۱} در حدیث دیگر از امام صادق (ع) رسیده است که حضرت می‌فرماید «... و بر او « نماز گزار» در روز مبارک و فرخنده جمعه، رعایت طمأنینه و آرامش خاطر به صورت کامل لازم و ضروری است». ^{۶۲} بنابر این با بررسی آیات نماز جمعه و احادیث مرتبط در این حوزه به این نتیجه می‌رسیم که نماز جمعه و جماعت در بُعد فردی به انسان آرامش داده و او را از منکرات و پلیدی‌ها دور ساخته و از نظر اجتماعی، به جامعه امنیت و سلامتی می‌بخشد.

۲. تأثیر روانی نماز جمعه در فرد و جامعه از نگاه اهل سنت

زندگی در دریای پر تلاطم دنیا، هر انسانی را رنج داده و رویدادهای تلخ و درد آوری که هر روز در جهان اتفاق می‌افتد، صلح و آرامش روانی را از جوامع اسلامی و بشری سلب نموده است. در این قسمت از بحث نیز، تأثیر تربیتی و روانی نماز جمعه را با استفاده از منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت بیان می‌داریم.

۱،۲. از نگاه مذهب حنفی

ذکر خداوند از جایگاه بس رفیع برخوردار بوده و از جمله مباحث مهم و کلیدی در نماز جمعه، بحث ذکر است. این فریضه الهی که در قرآن از آن تعبیر به ذکر شده است، آثار تربیتی فراوان بر آن مترتب است که در ادامه به چند نمونه از آن پرداخته می‌شود.

الف. تفاسیر

عالمان حنفی نیز تأثیرات تربیتی و اخلاقی نماز جمعه را که از نعمت‌های بزرگ و پر برکتی الهی برای بندگانش است، در آثار تفسیری و حدیثی خویش مطرح نموده‌اند. ابومنصور ماتریدی نماز جمعه را ذکر الهی دانسته است که خطبه‌های آن همراه با موعظه و آثار تربیتی و اخلاقی است. ^{۶۳} وی در جای دیگر لفظ ذکر در آیه نماز جمعه را، به ذکر لسانی و قلبی تفسیر نموده و معتقد معتقد است که انسان با اشتغال به طاعات و انجام فریضه جمعه، به فلاح و رستگاری و آرامش روحی می‌رسد. ^{۶۴} انور شاه کشمیری، نماز جمعه را دارای شرایط و اسراری دانسته است که آن را از

سایر نمازها ممتاز و برتری داده است و هیچ اندیشمندی ملتزم به تساوی میان نماز جمعه و دیگر فرایض از نظر فضیلت و برکات معنوی نشده است.^{۶۵} سید قطب نیز نماز جمعه را، دارای آثار تربیتی و پرورش دلها دانسته است که مؤمنان باید در اوقات و احوالی خاصی، دل از سرگرمیهای زندگی و از جاذبه های زمینی ببرند، تا به پروردگار خود پردازند، و خالصانه به ذکر و یاد او بنشینند.^{۶۶} تأثیر تربیتی نماز جمعه در فرد و جامعه بسیار پررنگ بوده و این فریضه الهی به انسان نماز گزار بر اثر ارتباط با ذات باری نیروی روحی و معنوی می دهد که هرگز خود را در برابر ناملازمات روزگار ضعیف و ناتوان احساس نمی کند. همچنین دیگر مفسران حنفی مانند محمد ثناء الله مظهري^{۶۷} و هبه زحیلی،^{۶۸} و... آرامش روانی را از جمله آثار تربیتی نماز جمعه دانسته و تصریح نموده اند که نماز گزار هنگام رفتن به میعادگاه فریضه جمعه، وقار و سکینه روحی را رعایت نمایند. آنان بر این باورند که اشتغال به اعمال دنیا و انجام معاملات و کارهای تجاری در وقت فرارسیدن نماز جمعه حرام بوده و بر نماز گزاران لازم و واجب است که برای اقامه فریضه جمعه و استماع مواعظ و سخنان خطیب جمعه مبادرت ورزند. عالمان شافعی معتقدند که نماز جمعه افزون بر داشتن ثواب و منافع اخروی، باعث ایجاد امنیت و آرامش در جامعه و پرورش روحی در میان مردم مسلمان می شود.

ب. روایات

نماز جمعه در ایجاد فضای روحانی و تحقق معنویت در جامعه، نقش به سزایی دارد. ابوهریره از رسول خدا (ص) آورده است که حضرت می فرماید « إِذَا أُقِيْمَتِ الصَّلَاةُ، فَلَا تَأْتُوها تَسْعَوْنَ، وَأَتُوها تَمْشُونَ وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ »^{۶۹} هنگامی که نماز جمعه بر پای داشته شد، پس به جانب آن نشنابید و بلکه با حفظ آرامش و حفظ طمأنینه بسوی آن قدم بر دارید. قاری حنفی حقیقت عبادت و بندگی را حضور عابد در محضر معبود و پروردگار عالم دانسته و معتقد است که از جمله آثار تربیتی عبادت، سکینه روحی و آرامش روانی بوده و برای نماز گزار رعایت آن از نظر شرعی امری لازم و مستحب است؛ زیرا سکینه روحی و طمأنینه قلبی، مدار طاعت و عبودیت، به حساب می آید.^{۷۰} بدین ترتیب آرامش روحی از آثار مهم تربیتی نماز جمعه بوده که بر اثر ارتباط و پرستش الهی به دست می آید و در زمینه اعتماد سازی افراد نسبت به یکدیگر و وحدت صفوف در میان مسلمانان و ایجاد و گسترش امنیت در جامعه اسلامی نیز مفید بوده و اثر گذار است.

همچنین عالمان شافعی به آرامش روحی، به عنوان یکی از آثار ارزنده و سودمند فریضه جمعه، اشاره نموده‌اند که به قرار ذیل بدان می‌پردازیم.

الف. تفاسیر

حسین بغوی از نامداران شافعی بوده و وقار و آرامش روحی را از آثار معنوی نماز جمعه بر شمرده که برای تربیت فرد و جامعه بسیار مفید و ارزشمند است. وی خطبه‌های نماز جمعه را ذکر الاهی دانسته که برای تذکیر نفوس انسانها سودمند بوده و مصالح جامعه اسلامی را تأمین می‌کند.^{۷۱} این فریضه الاهی که ذکر و یاد خداوند در آن به صورت پر رنگ مطرح است، باعث آرامش روانی شده و سکینه روحی را در میان افراد جامعه تأمین می‌کند. احمد مصطفی مراغی، از دیگر مفسران شافعی است و در شرح و تفسیر سوره جمعه، دنیا را مزرعه و محل کشت عمل صالح برای آخرت شمرده است که زمینه آرامش روانی و وقار را برای انسان مؤمن فراهم می‌سازد. وی ترک معامله و تجارت در روز جمعه را که زمینه ساز شنیدن مواعظ و سخنان سودمند خطیب جمعه است، امر واجب دانسته و اظهار می‌دارد که نماز جمعه ذکر الاهی بوده و همانند نسیم فرح بخش، به انسان حیات معنوی ارزانی داشته و قلب خسته و روح افسرده آدمی را که بر اثر کشاکش روزگار و انبوه مشکلات پیچ مرده گردیده است، طراوت و شادابی بخشیده و نیروی آرامش روحی را فراهم می‌کند.^{۷۲} همچنین دیگر مفسران شافعی نظیر ابن کثیر دمشقی،^{۷۳} آلوسی بغدادی^{۷۴} و...، ایجاد امنیت در فرد و جامعه را، از جمله آثار و برکات معنوی نماز جمعه بر شمرده‌اند.

ب. روایات

آرامش و اطمینان، گوهر گمشده انسان امروزی بوده و همنشینی با خداوند و دلبستگی به یاد الاهی آدم سالک را آرام کرده و به آسایش می‌رساند. احمد بن حسین بیهقی با استفاده از احادیث نبوی، برای تحصیل آمادگی و زمینه سازی آرامش روانی، بر استحباب غسل جمعه تأکید ورزیده و معتقد است که صحابه رسول خدا (ص) از روز پنج شنبه خودشان را نظافت و خوشبو می‌کردند تا برای اعمال و عبادت روز جمعه آماده باشند. وی در ضمن حدیثی از پیامبر خدا (ص) که دلالت بر کمال آرامش و اطمینان روحی برای نمازگزار دارد، چنین اظهار می‌دارد که «برای شخص نمازگزار در ازاء هر قدمی که به طرف نماز جمعه بر می‌دارد، عمل سال اعم از ثواب و پاداش روزه‌ها و نمازها در پرونده اعمالش ثبت می‌گردد».^{۷۵} یحیی بن شرف الدین نووی شافعی، لفظ سکینه را با استناد به این کلام خداوند که می‌فرماید «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۷۶} از ماده سکون و طمأنینه دانسته و اظهار می‌دارد، سکینه‌ی که خداوند در قرآن بدان اشاره فرموده و آن را از ویژگیهای انسانهای مؤمن بر شمرده است، به معنای طمأنینه قلب و شادمانی روح و نفس آدمی است. به نظر او

سکینه و آرامش روانی، سرمایه‌ی است که هیچ چیزی در دنیا معادل و هم رتبه آن نبوده و به اندازه آن ارزش و اعتبار ندارد؛ از این رو اگر انسانی، همه متاع و ثروت دنیا را، دارا و مالک باشد و در عین حال از نظر روحی گرفتار اضطراب بوده و از آرامش خاطر بر خوردار نباشد، هر آنچه را که از مکنت و دارایی دنیا دارد، نزد وی ارزش و قیمتی ندارد.^{۷۷} بدین ترتیب آرامش روحی یگانه گوهر بی بدیلی است که با تکیه بر یاد و قدرت الهی به دست می‌آید و انسان سالک را از جهان ماده رهانیده و به عالم معنا می‌رساند.

۲,۳. از نظر مذهب مالکی

اندیشمندان مالکی اهل سنت نیز به آثار و ثمرات سازنده ذکر و نماز جمعه پرداخته‌اند که هر یک از آنها تأثیر به‌سزایی در تربیت روحی و اخلاقی آدمی دارد که به صورت گذرا بدان پرداخته می‌شود.

الف. تفاسیر

طمأنینه و سکون قلب از جمله آثار مهم یاد خداوند بوده و قرآن تنها نسخه شفابخش رفع اضطراب و نگرانی از فرد و جامعه اسلامی را، ذکر الهی دانسته است. قرطبی انصاری، راه رفتن به طرف نماز جمعه را که همراه با عجله و شتاب باشد، با تمسک به این حدیث رسول خدا (ص) « ذَا أُقِیْمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا تَأْتُوهَا تَسْعَوْنَ وَلَكِنْ اُتُوْهَا وَعَلَيْكُمْ السَّكِیْنَةُ » نفی نموده و معتقد است که معنای لفظ « سعی » در آیه شریفه سوره جمعه، اهتمام و جدیت در عمل برای اقامه و برپایی فریضه نماز جمعه است نه با شتاب قدم گذاشتن؛ از این رو بر شخص سالک و نماز گزار لازم و بایسته است که هنگام حرکت به سوی این فریضه عبادی و الهی، خشوع و وقار را رعایت نمایند.^{۷۸} وی در بخش دیگری از سخنانش، با نقل حدیثی از رسول خدا (ص) بر پایی نماز جمعه را با اهمیت توصیف کرده و اظهار داشته است که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید « کسی که به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارد پس به اقامه فریضه جمعه در روز با برکت جمعه اهتمام داشته باشد ». ^{۷۹} ابن عطیه اندلسی، قیام و حرکت به سوی میعادگاه جمعه، گرفتن وضو و پوشیدن جامه و لباسهای تمیز را، مقدمه ورود در حوزه ذکر خداوند دانسته و بر این باور است که منظور از سعی در آیه شریفه، نیت، اراده بوده که نماز گزار به اقامه نماز جمعه اهتمام داشته باشد و مراد از ذکر، گوش فرا دادن به مواعظ و مباحث اخلاقی خطیب نماز جمعه است و رعایت مسائل و مقدمات یاد شده سکونت روحی و آرامش قلبی را برای عبد سالک فراهم می‌کند.^{۸۰}

ب. روایات

محدثان مالکی، ذکر جامع و کاملی را که باعث ثبات روحی و آرامش قلب برای بنده مؤمن می‌شود، ذکر لسانی همراه با ذکر قلبی دانسته‌اند که بر اثر تفکر در عالم معنا و استحضار عظمت الاهی به دست می‌آید.^{۸۱} آنان با استناد به حدیث ابی درداء، ذکر را برترین اعمال دانسته و ارزش و منزلت آن را از جهاد در راه خداوند بالاتر می‌دانند.^{۸۲} سلیمان بن احمد طبرانی، از رسول‌خدا (ص) آورده است که آن حضرت فرمود « اهل ذکر از چهار خصلت و ویژگی چون سکینه و آرامش روحی، محفوف بودن در آغوش فرشتگان، پوشیده شده و غرق در رحمت الاهی و از عنایت خاصه ذات باری، برخوردارند؛^{۸۳} از این رو بندگان سالک، بر اثر حضور در نماز جمعه و ارتباط با خداوند و یاد او آرامش گرفته و دل‌های آنان از اضطراب و نگرانی نجات می‌یابد؛ اما کسانی که دل به دنیای مادی بسته و خودشان را وقف زندگی دنیوی کرده‌اند، آرامش قلب و سکونت روانی را از دست داده و لحظه در زندگی احساس آرامش ندارند.

۲،۴. از نگاه مذهب حنبلی

گزاره اخلاقی آرامش و سکینه روحی، در پاره‌ای از آثار تفسیری و روایی عالمان حنابله نیز مورد بحث قرار گرفته است که در ادامه این بخش از نوشتار، رویکرد برخی از آنان در زمینه برخی از آثار سازنده ذکر که آرامش روانی باشد، به صورت اختصار به قرار زیر مطرح می‌شود.

الف. تفاسیر

ذکر خداوند در سازندگی روحی و اخلاقی انسان تأثیر به‌سزایی داشته و باعث قوت اراده و روشنی دل و اطمینان آن می‌شود. ابن جوزی حنبلی، حقیقت سکینه را به معنای رحمت، وقار، آرامش و طمأنینه دانسته^{۸۴} و اظهار می‌دارد که خداوند برای آن دسته از مؤمنانی که در راه پیشرفت حق و تعالی آن، قتال و جهاد می‌کنند، سکونت و آرامش را در قلبهایشان می‌اندازد. وی معتقد است که ذات باری، ایمان و اراده مجاهدان راه حق را، بر اثر آرامش روحی در برابر مشکلات جبهه و جنگ، قوی گردانیده و در برابر تحمل رنجهای جهاد و تسلیم به قضای الاهی، فتح و پیروزی را نصیب آنان نموده است.^{۸۵} محمد علی صابونی از دیگر عالمان حنبلی بوده و آموزه سکینه و آرامش را به عنوان یکی از آثار سازنده نماز جمعه عنوان نموده است. وی مراد از سعی در جمله « فاسعوا إلی ذکر الله » را، شتافتن نماز گزاران فریضه جمعه، برای استماع خطبه‌ها و اقامه این عمل عبادی و اجتماعی دانسته است. به نظر او، سعی یک عمل روحی بوده و برای نماز گزار لازم و بایسته است که هنگام رفتن به طرف انجام فریضه جمعه، بیع و تجارت را ترک کند؛ زیرا ثواب و منافع آخرت مهم و ماندگار بوده و برتر و والاتر از متاع ناچیز و تجارت دنیوی است. وی در بخش دیگری از

سخنانش تصریح می‌کند که عبد سالک با یاد و نام خداوند و ارتباط عاشقانه با او، خشوع و وقار را در نفس و قلبش ایجاد نماید تا زمینه آرامش و اسایش در زندگی برای وی فراهم گردد.^{۸۶}

ب. روایات

فقیهان حنبلی، با بهره‌گیری دسته‌ای از روایات وارده^{۸۷} در زمینه آثار سازنده و تربیتی نماز جمعه، آموزه آرامش روانی و وقار را، یکی از گزاره‌های انسان ساز این فریضه الهی بر شمرده و در مباحث فقهی نیز بدان پرداخته و رعایت آن را، به عنوان یکی از مسائل استحبابی نماز جمعه، امر لازم شمرده‌اند. آنان سکینه روحی را از جمله آثار مترتب بر این فریضه عبادی و سیاسی می‌دانند.^{۸۸} عطیه محمد سالم از فقه پژوهان حنبلی بوده و کلمه سعی در آیه شریفه جمعه را، به اعمال استحبابی و آداب پیش از نماز جمعه مانند غسل، مسواک، لباس سفید پوشیدن و معطرشدن و دعاهایی وارده در حین انجام افعال یاد شده، تفسیر نموده است.^{۸۹} به نظر او جمله « وَذَرُوا الْبَيْعَ » به معنای ترک بیع و معامله و شتافتن به جانب نماز و ذکر الهی بوده و اظهار می‌دارد که الفاظ و عبارات این آیه، بیانگر این حقیقت است که انسان مرکب از روح و جسد بوده و تعالیم دین اسلام بر اساس نیازهای جنبه‌های مادی و معنوی انسان صادر گردیده است و همانطور که جسم آدمی در راستای تداوم حیات و زندگی خویش، محتاج تغذیه سالم است، روح وی نیز به مراتب مهم‌تر از نیازهای جسمانی، خواسته‌های معنوی و فرامادی مانند ذکر و ستایش دارد که مقوم وجود و هستی روح آدمی است و بر اثر ذکر و یاد الهی روان انسان آرامش یافته و با کمال اطمینان و بدون دلهره به حیات خویش ادامه می‌دهد.^{۹۰}

۳- نماز جمعه عامل شناخت حق از باطل از منظر امامیه

از دیگر آثار این عبادت سیاسی و عبادی، تمایز و جداسدن صف خودیها از غیر خودی و شناخت مؤمنان واقعی از منافقان و افراد منضبط و قانونمدار از آدمهای متخلف و قانون شکن است. در ادامه بحث، به بیان یکی دیگر از تأثیرات تربیتی نماز جمعه، که عامل فرقان حق از باطل است در دو محور و از منظر تفاسیر و روایات نبوی و اهل بیت (ع) می‌پردازیم.

الف. تفاسیر

جامعه اسلامی هنگامی می‌تواند از امنیت و آرامش کامل بر خوردار باشد که مرز میان دوستان و دشمنانش را به صورت دقیق شناسایی نموده و حتی چهره‌های مردد و دوگانه را نیز مشخص کرده باشد. دستیابی به ملاک‌های مرزبندی و شاخصه‌های ارزیابی، دشوار و پیچیده است؛ زیرا کار دشمن، فریب و تزویر است و عمل منافق، شبهه اندازی و دسیسه است؛ از این رو تبیین حق از

باطل در این حوزه، تنها با توفیق الاهی و اتکال به نیروی مطلقه خداوند میسر است. طبرسی با استناد به آخرین آیه از سوره جمعه که می‌فرماید « وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَ مِنَ التَّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ » ای رسول ما، این مردم چون در بین نماز از تجارت و یا کار لهوی با خبر شوند به سوی آن متفرق گشته و تو را در حال خطبه رها می‌کنند. بگو: آنچه نزد خداست از لهو و تجارت بهتر است و خدا بهترین رازقان است. متفرق شدن عده‌ای از مردم از اطراف رسول خدا (ص) و تنها گذاشتن آن حضرت را که در حال خواندن خطبه‌های نماز جمعه بوده است، از علائم و نشانه‌های نفاق دانسته و معتقد است که استماع و تبعیت از سخنان پیامبر خدا (ص) و حضور در مجالس موعظه در روز جمعه و انجام این فریضه عبادی و اجتماعی، نشانه ایمان بوده و تنها گذاشتن رسول خدا (ص) در حال ایراد خطبه‌های جمعه و اشتغال به کارهای لهو و بیهوده، علامت کفر و نفاق به حساب می‌آید.^{۹۱} همچنین عروسی حویزی در شرح و تفسیر لفظ « لهوا » در آیه شریفه، احادیثی را از رسول خدا (ص) نقل نموده است که آن حضرت استماع لهو و غنا را، عامل فساد و بیماری در قلب دانسته و اظهار می‌دارد که خواندن و گوش دادن به غنا، دل را تیره و سیاه نموده و روح نفاق را در وجود انسان پرورش می‌دهد و فقر و بدبختی می‌آفریند.^{۹۲}

ب. روایات

نماز جمعه یکی از عوامل تمایز نماز خوان از بی نماز بوده و به وسیله این فریضه الاهی، انسان وقت شناس از آدمهای بی انضباط و منافق شناخته می‌شود. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید « من ترک ثلاث جمع متعمداً من غیر علة، طبع الله علی قلبه بخاتم النفاق ». ^{۹۳} هر کس سه نماز جمعه را بی دلیل و بدون عذر ترک کند، خداوند قلب او را با مهر نفاق مهر می‌زند. همچنین آن حضرت در حدیث دیگر می‌فرماید « لیتتهین أقوام من ودعهم الجمعات، أو لیختمن علی قلوبهم ثم لیكونن من الغافلین ». ^{۹۴} آن عده‌ای که عادت به ترک نماز جمعه کرده‌اند، باید از این رفتار پرهیز کنند و گرنه مهر بر دل آنها زده شده و در زمره غافلان قرار می‌گیرند.

امام صادق (ع) نیز در حدیثی می‌فرماید « من خلع جماعة المسلمین قدر شبر، خلع ربة الإیمان من عنقه ». ^{۹۵} هر کسی به اندازه یک وجب از اجتماع اسلامی دور شود، خود را از دایره ایمان خارج نموده.

با بررسی این نوع احادیث به دست می‌آید که نماز جمعه، یک عبادت شخصی و فردی نیست تا عدم حضور در آن برای خود خاطی ضرر داشته باشد و بلکه این فریضه الاهی، میدان مشارکت اجتماعی و حضور در صحنه برای آحاد امت بوده و شخص خاطی به عنوان یک فرد غیر منضبط با

رویگردانی از عبادت جمعی، حریم مردم مسلمان را می‌شکند و باورهای آنان را به سخریه گرفته و راه نفاق می‌پیماید و اسلام در بر خورد با منافق بسیار جدی بوده و چنین افرادی را در زمره مؤمنان راستین به شمار نمی‌آورد.

۳. نماز جمعه عامل شناخت حق از باطل از منظر اهل سنت

فریضه بزرگ نماز جمعه در مکتب و اندیشه اهل سنت نیز دارای اهمیت والا بوده و مطابق مفاد پاره‌ای از نصوص دینی منقول از طریق آنان، این عبادت اجتماعی و سیاسی اسلام به عنوان یک شاخص و معیار، برای شناخت حق از باطل معرفی گردیده و از جمله آثار ارزنده آن شناخت چهره‌های نفاق دانسته شده است که در ادامه در دو محور به بیان رویکرد هریک از عالمان مذاهب اهل سنت می‌پردازیم.

۱،۳. از دیدگاه مذهب حنفی

عالمان حنفی نیز روز جمعه را برترین روزهای هفته به شمار آورده‌اند و بر اساس روایات منقول از رسول خدا (ص) برای این روز، فضایی فراوان ذکر نموده‌اند.^{۹۶} آنان، کسانی را که در نماز جمعه بر اثر بی‌مبالاتی شرکت نمی‌کنند، مورد مذمت قرار داده و این عمل را از نشانه‌های نفاق دانسته‌اند که در ادامه بحث، بدان پرداخته خواهد شد.

الف. تفاسیر

نماز جمعه در منابع اهل سنت حنفی نیز به عنوان فرقان حق از باطل معرفی شده است. عالمان و دین پژوهان آنان در اقامه این فریضه با عظمت الهی، اهتمام و جدیت بسیار از خود نشان می‌دهند. ابومنصور ماتریدی، با استفاده از جمله « وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا » در آیه شریفه، این پرسش را مطرح نموده است که صحابه با وجود اینکه به رسول خدا (ص) بسیار ارج قائل بوده و آن حضرت را تعظیم می‌نمودند؛ ولی دسته‌ای از آنان چگونه شد که حرمت پیامبر خدا (ص) را، که در حال ایراد خطبه‌های نماز جمعه بود، شکسته و نماز جمعه را ترک گفته و به کارهای بیهوده و تجارت روی آوردند؟ وی پس از طرح این سؤال چنین پاسخ گفته و اظهار می‌دارد که جمعی از اصحاب رسول خدا (ص) جدید العهد به اسلام بوده و ایمان در دل‌های آنان رسوخ نکرده و به نوعی مبتلا به ویروس شرک و نفاق بودند؛ از این رو هیچگونه شناخت و معرفتی نسبت به شخصیت و سیرت رسول اعظم اسلام (ص) نداشتند و عظمت نماز جمعه و خطبه‌های سودمند آن را درست درک نکردند و از روی جهل و نادانی، خطبه و خاطب آن را رها کرده و در پی کارهای لهوی و متاع دنیا راه افتادند.^{۹۷} همچنین محمد ثناء الله مظهری که از دیگر مشاهیر تفسیری ماتریدیان بوده و به نقل از

روایت ثقیه، از رسول خدا (ص) آورده است که حضرت فرمود « من ترک ثلاث جمع متوالیات فقد نبذ الإسلام وراء ظهره »^{۹۸} کسی که سه نماز جمعه را به صورت متوالی و پشت سرهم ترک نماید، پیمان و عهد خودش با اسلام را نقض نموده و کمر آن را شکسته است. بنابر این از علائم و نشانه‌های ایمان به خداوند و روز قیامت، شرکت در نماز جمعه و اقامه این فریضه اجتماعی در طول یک هفته است.

ب. روایات

فریضه عبادی و اجتماعی نماز جمعه، به عنوان یک شاخص و معیار شناخت پیروان جبهه حق از باطل در جوامع روایی اهل سنت حنفی نیز مطرح گردیده است. مجموعه‌ای روایات یک دست که از رسول خدا (ص)، در مورد نماز جمعه و مسائل مرتبط با آن نقل شده است، دلالتی قوی بر وجوب نماز جمعه داشته و مردم مسلمان را، به صورت فراگیر برای اقامه این فریضه الهی در روز جمعه سفارش نموده است؛ چنانکه رسول خدا (ص) می‌فرماید «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثًا، طَبَعَ عَلَى قَلْبِهِ، وَجُعِلَ قَلْبُهُ قَلْبَ مُنَافِقٍ»^{۹۹} «کسی که سه نماز نماز جمعه را بی دلیل و بدون عذری ترک نماید، به قلب او مهر نفاق زده شده و به شکل قلب منافق تبدیل می‌شود. همچنین آن حضرت در حدیث دیگر می‌فرماید «مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوَنًا بِهَا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ»^{۱۰۰} هر کسی سه نماز جمعه را از روی سهل انگاری و سبک شمردن این فریضه اجتماعی ترک کند، خداوند بر قلب وی مهر نفاق می‌زند. عبد الرؤوف مناوی، پس از نقل احادیث متعدد و با الفاظ و عبارات مختلف از رسول خدا (ص) اظهار می‌دارد که شرکت در نماز جمعه بر هر فرد مسلمان واجب بوده و کسی که بدون عذر و ضرورتی آن را ترک نماید اسم وی در زمره منافقان نوشته می‌شود.^{۱۰۱} وی در بخش دیگری از سخنانش تصریح می‌کند، اینکه افرادی نماز جمعه را از روی بی‌مبالاتی ترک می‌کنند و لفظ به کار رفته در احادیث در مورد آنان از ریشه «تهاون» بوده و از باب تفاعل اخذ شده است و لفظی که از ماده تفاعل مشتق باشد، به خوبی دلالت دارد به اینکه شأن و منزلت فریضه نماز جمعه، برتر و والاتر از تصور اهانت در باره آن بوده و به هیچ وجهی نمی‌توان آن را سبک شمرد؛^{۱۰۲} ملاعلی قاری نیز پس از بررسی رویکرد محدثان در باره حدیث «مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ...» که برخی از آنان این حدیث را از نظر سند «صحیح» دانسته و برخی دیگر آن را «حسنه» بر شمرده است، اظهار می‌دارد، کسی که نماز جمعه را، از روی تساهل ترک کرده و به آن بی‌اعتنایی نماید، خداوند بر قلب چنین انسانی مهر نفاق زده و مانع وصول خیر و نیکی به آن می‌شود؛^{۱۰۳} از این رو تصور توهین به نماز جمعه مقدور هیچ کس نبوده و نوعی خودرا به تکلف و رنج انداختن است و در عوض چهره نفاق چنین افرادی شناخته می‌شود.

۳،۲. از نظر مذهب شافعی

عالمان مذهب شافعی نیز با استناد به دسته‌ای از احادیث وارده از رسول خدا (ص)، برای نماز جمعه اهمیت والایی قائل بوده و بی‌اعتنای و تهاون به این فریضه الاهی را، از نشانه‌های نفاق دانسته‌اند که در ادامه به بیان پاره‌ای از رویکرد آنان می‌پردازیم.

الف. تفاسیر

علاءالدین، معروف به خازن بغدادی، نماز جمعه را به اجماع اهل سنت از فرایض مهم اجتماعی اسلام دانسته و بر این باور است، کسی که این عبادت بزرگ الاهی را بدون عذر ترک کند مستحق عذاب می‌شود. وی در بخش دیگری از سخنانش با نقل حدیثی از رسول خدا (ص) ترک نماز جمعه را بدون دلیل و عذری، نشانه نفاق دانسته و آن عده‌ای را که عادت به ترک نماز جمعه پیدا نموده‌اند را، از زمره غافلان بر شمرده است.^{۱۰۴} چنانکه دیگر مفسران اهل سنت مانند محمد سید طنطاوی،^{۱۰۵} ملاحظویش‌آل‌غازی عبدالقادر^{۱۰۶} و... مردم را به برپایی نماز جمعه سفارش نموده و از ترک آن به شدت بر حذر داشته و اقامه آن را برای افراد عاقل، بالغ و مقیم در وطن واجب می‌دانند. آنان اشتغال به تجارت و بیع را در حین برپایی فریضه جمعه، حرام دانسته و ترک این عبادت سیاسی و اجتماعی را بدون عذر شرعی، نشانه نفاق بر شمرده‌اند.

ب. روایات

محدثان پیروی مذهب شافعی نیز، روایات وارده در باب اهمیت نماز جمعه را در گنجینه‌هایی روایی خویش آورده و با شرح و توضیح آن، طیف از این نوع احادیث را، عامل فرقان حق از باطل دانسته و بر اساس آنها، پیروان جبهه نفاق را از رهروان صراط الاهی شناسایی نموده‌اند. عبدالرحمن ابن ابی بکر سیوطی از رسول خدا (ص) آورده است که آن حضرت می‌فرماید «من ترک ثلاث جُمع تهاوناً بها طبع الله علی قلبه».^{۱۰۷} کسی که سه نماز جمعه را از روی تهاون و بی‌مبالاتی نسبت به این فریضه الاهی ترک نماید، خداوند مهر نفاق بر قلب وی زده و فیض و رحمتش را از چنین افرادی قطع می‌کند. ابن اثیر جزری، پس از نقل روایات وارده در باب فریضه جمعه و شناسایی منافقان از مؤمنان، دو واژه «الطبع» و «الختم» را به یک معنا دانسته و اظهار می‌دارد، کسی که نماز جمعه را بدون کدام عذری ترک نماید، قلب وی زنگار گناه گرفته و مسدود می‌شود و مشمول هیچ خیر و فیوضات ربانی قرار نمی‌گیرد.^{۱۰۸} برخی دیگر از محدثان شافعی، لفظ «تَهاوُنًا» را در حدیث شریف، مفعول له و مصدر گرفته که در موضع حال قرار دارد و در این صورت، حدیث را چنین معنا کرده است، کسی که نماز جمعه را حقیر و سبک بشمارد، خداوند بر قلب او مهر و پرده نفاق زده و

الطاف و رحمت خویش را از چنین انسانی باز می‌دارد.^{۱۰۹} رسول‌گرامی اسلام (ص) طبق نقل دیگر فرموده‌اند که « من ترک ثلاث جمعات من غیر عذر، کتب من المنافقین »^{۱۱۰} هر کسی که سه نماز جمعه را بدون کدام عذری ترک نماید، از زمره منافقان محسوب می‌شود. بنابراین نماز جمعه در تقویت ایمان و وحدت صفوف امت اسلامی تأثیرات شگرف داشته و اقامه آن باعث تلطیف روح و جان آدمی شده و دلها را از آلودگیهای گناه پاک می‌کند. عمل به این فریضه الهی، زمینه نزول برکات و فیوضات الهی را در جامعه اسلامی فراهم نموده و از جمله آثار مفید و ارزشمند آن شناخت پیروان حق از باطل بوده و چهره‌های نفاق و دودل به وسیله آن شناخته می‌شود.

۳,۳. از دیدگاه مذهب مالکی

دین پژوهان مالکی نیز، نماز جمعه را، عامل شناسایی حق از باطل دانسته‌اند. آنان در باب فضیلت و اهمیت نماز جمعه سخن گفته و اقامه این فریضه سیاسی و اجتماعی را، برای همهی مسلمانان واجب دانسته و عظمت و ارزش واقعی انسان را به ارتباط و پیوند وی به عالم ماوراء ماده می‌دانند. در این بخش از تحقیق، به بیان پاره‌ای از رویکرد عالمان مالکی، در این زمینه می‌پردازیم.

الف. تفاسیر

نماز جمعه از جمله آموزه‌های مهم دین اسلام برای جلوگیری از نفوذ شیطان و وسوسه‌های او بوده و انجام این فریضه معنوی، یاد خداوند را در دلها زنده کرده و چهره‌های دودل و خط نفاق را، برای پیروان جبهه حق نشان می‌دهد. قاضی محمد بن عربی مالکی با تمسک به حدیثی از رسول‌خدا (ص) آورده است که آن حضرت می‌فرماید «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ بِالنِّفَاقِ.»^{۱۱۱} کسی که نماز جمعه را بدون ضرورت و از روی بی‌اعتنایی به آن ترک کند، خداوند بر قلب وی مهر نفاق می‌زند. وی در جای دیگر اظهار می‌دارد که رفتن به نماز جمعه برای هر مسلمانی فرض بوده و در صورت تقارن و همزمانی عید فطر در روز جمعه، فریضه جمعه ساقط نمی‌شود؛ اما احمد بن حنبل با این رویکرد مخالف بوده و معتقد است که هرگاه جمعه و عید در یک زمان و قرین هم واقع شود، فریضه جمعه ساقط می‌شود؛ زیرا نماز عید مقدم بر نماز جمعه است.^{۱۱۲} همچنین قرطبی مالکی به نقل از جابر بن عبدالله انصاری و از رسول‌خدا (ص) آورده است که آن حضرت بی‌مبالاتی نسبت به فریضه جمعه و عدم شرکت در این جمع معنوی را در سه نوبت و به صورت متوالی، از علائم نفاق دانسته است.^{۱۱۳} وی در حدیث دیگر از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده است که حضرت می‌فرماید « لَيْسَتْ هَيْنَ أَقْوَامٍ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ أَوْ لَيْخَتِمْنَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لَيْكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ »^{۱۱۴} عده‌ای در میان امت وجود دارد که عادت به ترک نماز جمعه کرده‌اند، و خداوند بر قلبهای آنها مهر غفلت زده و بر اثر بی‌توجهی به نماز جمعه، در زمره غافلان قرار داده شده‌اند.

ب. روایات

نفاق یکی از مهلك ترین امراض روحی و اخلاقی بوده و این صفت مذموم روانی، باعث ذلت انسان در دنیا و عذاب در آخرت می‌شود. عالمان مالکی در مباحث حدیث شناسی نیز با نقل دسته‌ای از روایات در این موضوع، عدم شرکت در نماز جمعه را، از نشانه‌های نفاق بر شمرده‌اند. مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکیه، در باب اهمیت نماز جمعه و اقامه این فریضه الاهی، مجموعه روایات از رسول‌خدا (ص) نقل کرده است و دسته‌ای از این احادیث، نماز جمعه را، ملاک تشخیص حق از باطل معرفی کرده است؛ چنانکه رسول‌خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید « مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ غَيْرِ عَذْرٍ وَلَا عَلَيْهِ طَبَعُ اللَّهِ عَلَى قَلْبِهِ »^{۱۱۵} هر کسی که سه نماز جمعه را بدون عذر و علتی ترک نماید، خداوند بر قلب وی مهر نفاق می‌زند. ابن عبد البر، اظهار می‌دارد که حدیث یاد شده و مشابه آن در این باب، از طرق مختلف و با اسانید معتبر از رسول‌خدا (ص) وارد شده است و ترک این عبادت اجتماعی را نشانه نفاق می‌داند. وی پس از بررسی و توثیق روایات، پاره‌ای از الفاظ احادیث را شرح داده و واژه « الطَّبَعِ » را در حدیث به معنای ختم دانسته و بر این عقیده است که مفاد کلام پیامبر خدا (ص) نوعی هشدار و تهدید جدی برای کسانی است که نسبت به فریضه جمعه بی‌مبالاتی می‌ورزند؛ زیرا کسی که بر قلب وی مهر نفاق زده شود، دیگر قدرت و توان شناخت معروف و منکر از او سلب و گرفته شده و در گمراهی مطلق به سر برده و در خط نفاق قرار می‌گیرد؛^{۱۱۶} از این رو نماز جمعه مایه برکت در زندگی بوده و روحیه خدا باوری و ایمان را در انسان تقویت کرده و باعث ایجاد امنیت روانی در جامعه می‌شود و کسی که این فریضه وحدت آفرین را، انکار نموده و یا سبک شمرده و آن را ترک نماید، خداوند امور زندگی وی را سامان نداده و برکت و آرمش را از او سلب می‌کند.

۳،۴. از دیدگاه مذهب حنبلی

عالمان پیروی مذهب حنبلی نیز، مباحث سودمندی را در ذیل آیات سوره جمعه و روایات وارده در این حوزه مطرح نموده‌اند. آنان اقامه این فریضه پر معنویت را، نشانه ایمان و عامل فرقان حق از باطل می‌دانند که در ادامه به صورت گذرا، به بیان این اثر تربیتی نماز جمعه از منظر عالمان حنبلی، خواهیم پرداخت.

الف. تفاسیر

عالمان حنبلی اهل سنت نیز به بیان آثار تربیتی نماز جمعه پرداخته و برای تذکیر روح و تربیت اخلاقی نمازگزاران، آداب و احکام نماز جمعه را مفید و ارزشمند می‌دانند. آنان با ذکر احادیثی از

رسول خدا (ص) مردم را از بی‌مبالاتی نسبت به این برنامه جامع معنوی روز جمعه، بر حذر داشته‌اند. سراج الدین حنبلی، این حدیث پیامبر خدا (ص) را که می‌فرماید « مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ طَعِبَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ » هر کسی که سه نماز جمعه را بدون ضرورت و عذری ترک نماید خداوند بر قلب وی مهر می‌زند. از نظر سند صحیحه دانسته و معتقد است که مراد از ذکر در جمله « الی ذِکْرِ اللَّهِ » نماز بوده و خطبه‌ها و مباحث مطرح در آن جزوی این عمل عبادی به حساب می‌آید.^{۱۱۷} و عبد سالک همانطور که در قلب ذکر خدا می‌گوید و این ذکر باعث ایجاد محبت خدا در دل او شده و آرامش قلب را فراهم می‌سازد، در زبان و عمل نیز تسبیح خدا بگوید که این ذکر لسانی مانع می‌شود از اینکه انسان مرتکب گناه و امور بیهوده شود. أبوالفرج عبد الرحمن بن رجب الحنبلی نیز به آن دسته احادیث که بی‌اعتنایی به نماز جمعه را از نشانه‌های نفاق می‌داند اشاره کرده است.^{۱۱۸} و چنانکه محمد امین شنقیطی، به نقل از عبدالله بن مسعود از رسول خدا (ص) آورده است که آن حضرت دستور دادند، آن عده‌ای که عادت به ترک نماز جمعه پیدا نموده و به نماز جمعه شرکت نمی‌کنند و از حضور در این جمع معنوی تخلف می‌ورزند، منازل و خانه‌هایشان را آتش بزنند.^{۱۱۹} وی در بخش دیگری از سخنانش، واژه « طبع » در حدیث را، به معنای ضلالت و گمراهی تفسیر نموده و اظهار می‌دارد، کسی که در نماز جمعه از روی بی‌مبالاتی شرکت نکند، قلب وی همانند ظرف آبی می‌ماند که وارونه شده و قطره آبی در آن باقی نمی‌ماند و در قلب انسان بی‌مبالات نسبت به دستورات الهی و فریضه جمعه، مهر زده شده و توان درک و تشخیص معارف و منکرات از وی سلب می‌شود.^{۱۲۰}

ب. روایات

محدثان مذهب حنبلی نیز به اهمیت نماز جمعه پرداخته و به احادیث که تارک نماز جمعه را در زمره منافقان به حساب آورده است، اشاره کرده‌اند. ابن رجب حنبلی به نقل از ترمذی، این دسته از روایات را حسنه می‌داند.^{۱۲۱} هارون بن یزید خُکَّال حنبلی نیز از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت می‌فرماید « کسی که سه هفته پشت سرهم نماز جمعه را ترک کند از منافقان به شمار می‌رود.^{۱۲۲} همچنین احمد بن حنبل شیبانی، احادیث نماز جمعه را در اثر سترک حدیثی خویش آورده و در ضمن روایات وارده، به آثار سازنده و تربیتی این فریضه سیاسی و عبادی اشاره نموده و به نقل از ابی قتاده و از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت، سبک شمردن و انکار این ذکر الهی را، نشانه نفاق دانسته است.^{۱۲۳} این نوع احادیث، بیانگر جایگاه و اهمیت این فریضه الهی را می‌رساند و مذمت‌های شدیدی که در مورد ترک نماز جمعه آمده است در صورتی است که انسان مسلمان آن را از روی استخفاف و انکار انجام ندهد. بنا بر این نماز جمعه یکی از فرایض

بزرگ خداوند بوده و دارای آثار فردی چون تلطیف روح و جان و شستن دل از آلودگی‌های گناه و زدودن زنگار معصیت از قلب است و در عرصه اجتماعی نیز از جمله عوامل تجلی وحدت و همبستگی امت اسلامی به شمار آمده و باعث ایجاد امنیت در جامعه می‌شود و مردم مسلمان هر هفته با حضور خود در صفهای نماز جمعه کنار یکدیگر قرار گرفته و لذت ایمان صادقانه را با کمال اخلاص و و با تمام وجود درک و احساس می‌کنند.

جمع بندی

بر اساس مباحثی که در این نوشتار تبیین گردید، می‌توان به این نتیجه رسید که نماز با شکوه جمعه، جایگاه والایی در اسلام دارد و مظهر وحدت امت اسلامی و عظمت آنان است. این نعمت بزرگ معنوی اسلام، هر هفته برگزار شده و مباحث اعتقادی، اخلاقی و سیاسی در آن مطرح گردیده و آگاهی‌های مردم مسلمان را از قرآن و جهان اسلام بالا می‌برد. نماز جمعه ذکر الاهی بوده و تأثیرات تربیتی و اخلاقی بسیاری برای افراد جامعه داشته و امنیت و آرامش روانی را در میان مردم مسلمان تأمین نموده و از جمله عوامل شناخت جبهه حق از باطل به حساب می‌آید.

١. متقى هندی، كنز العمال، ج ٧، ص ٧١٦، ح ٢١٠٦٨؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ٨٩، ص ١٩٧.
٢. فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ١٦٩-١٧٠. «لانسافر فی الیوم الجمعة حتی تشهد الصلاة الا فاصلا فی سبیل الله او فی امر تعذر فیہ»؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ٥، ص ٤٦. «و الله لقد بلغنی ان اصحاب النبی (ص) كانوا یتجهزون للجمعة یوم الخمیس، لانه یوم مضیق علی المسلمین».
٣. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ٣، ص ٢٣٩؛ متقى هندی، كنز العمال، ج ٧، ح ٢١٠٥٥. «ان هذا الیوم جعله الله عیدا للمسلمین».
٤. مجلسی، بحار الانوار، ج ٨٩، ص ٢١٣.
٥. ابن منظور مصری، لسان العرب، ج ٤، ص ٣٠٨.
٦. فراهیدی، العین، ج ٥، ص ٣٤٦. «والذكر: الصلاة، والدعاء، والثناء».
٧. طباطبائی، المزان فی تفسیر القرآن، ج ١، ص ٣٣٩.
٨. همان، ص ٣٤٠.
٩. شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ٧، ص ٢٧٠.
١٠. شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب الله المُنزَل، ج ١، ص ٣٣٣.
١١. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ١٠، ص ٩.
١٢. ری شهری، مزان الحکمه، ج ٣، ص ٣١٤. «مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ قُوَّةُ الْأَرْوَاحِ وَ مِفْتَاحُ الصَّلَاحِ».
١٣. همان، ص ٣١٩.
١٤. همان، ص ٣١٣. «ما من ساعة تمر باین آدم لم يذكر الله فیها إلا حسر علیها یوم القیامة».
١٥. مازندرانی، شرح اصول الکافی، ج ٨، ص ٣٣٠.
١٦. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ٧، ص ١٦٣. «الذِّكْرُ مِفْتَاحُ الْأَنْسِ، الذِّكْرُ مُجَالَسَةُ الْمُحِبُّوبِ، الذِّكْرُ لَذَّةُ الْمُحِبِّينَ، مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحْيَى اللَّهُ قَلْبَهُ وَ نَوَّرَ عَقْلَهُ...»؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٣٩.
١٧. بخاری القنوجی، فتح البیان فی مقاصد القرآن، ج ٩، ص ٩٦. «والغفلة تضاد الذكر».
١٨. سمرقندی، تنبيه الغافلين بأحاديث سيد الأنبياء والمرسلين، ص ٣٩٩.
١٩. طه / ١٤.
٢٠. جمعه / ٩.
٢١. سمرقندی، بحر العلوم، ج ٢، ص ٣٩١. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي یعنی: لتذكرني فیها».
٢٢. حقی حنفی، روح البیان، ج ١٠/٤٠٩. مراتب اعمال المكلف ثلاث فاولاها ازالة العقائد الفاسدة عن القلب وهي المرادة بالتزكي والثانية استحضار معرفة الله بذاته وصفاته وأسمائه وهي المرادة بالذكر لان الذكر بالقلب ليس الا المعرفة والثالثة الاشتغال بالخدمة والطاعة وهي المرادة بالصلاة فانها عبارة عن التواضع والخشوع فمن استنار قلبه بمعرفة جلال الله لا بد وأن يظهر في جوارحه وأعضائه اثر الخشوع والخشوع».

٢٣. صالح بن عبدالله و ديگران، نضره النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم، ج ٥، ص ١٩٦٤.
٢٤. ابن أبي شيبه، المصنّف في الأحاديث والآثار، ج ١، ص ٤٨٢. «أما واللّه ما هو بالسّعي على الأقدام، وقد نهوا أن يأتوا الصلّاء إلاً وعليهم السكينة والوقار، ولكن بالقلوب والثبات والخشوع».
٢٥. مناوي حنفي، التيسير بشرح الجامع الصغير، ج ١، ص ١٥١.
٢٦. غزالي، إحياء علوم الدين، ج ١، ص ١٥٩. «وَالْعَفْلَةُ تَضَادُّ الذِّكْرَ».
٢٧. همان، ص ٣٤. «اللفظ الرابع، الذكر والتذكير فقد قال الله تعالى "وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ" وقد ورد في الثناء على مجالس الذكر أخبار كثيرة».
٢٨. فخررازي، مفاتيح الغيب، ج ٣٠، ص ٥٤٣.
٢٩. جمعه ٩-١٠.
٣٠. فخررازي، مفاتيح الغيب، ج ٣٠، ص ٥٤٤.
٣١. آلوسی بغدادی، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ١٤، ص ٢٩٦.
٣٢. مسعود بغوي، معالم التنزيل في تفسير القرآن ج ٨، ص ١١٧. «فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ " قَالَ هُوَ مَوْعِظَةُ الْإِمَامِ ».
٣٣. شرييني شافعي، السراج المنير في الإعانة على معرفة بعض معاني كلام ربنا الحكيم الخبير، ج ٤، ص ٢٨٧. «الخطبة والصلوة».
٣٤. ابن حجرالعسقلاني، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ص ٤٦١.
٣٥. همو، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، ج ١١، ص ٢٠٩.
٣٦. همان، ص ٢١٠.
٣٧. ابن حجر العسقلاني، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ص ٤٦١. « مَا فَعَدَ قَوْمٌ مَّقْعَدًا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ، وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى النَّبِيِّ (ص) إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ».
٣٨. قرطبي، التذكرة بأحوال الموتى وأمور الآخرة، ص ١٠٠٦. « حقيقة الذكر طاعة الله تعالى في امتثال أمره واجتناب نهيه».
٣٩. تونسي مالكي، تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد، ج ٢٠/٢٦٠. « أَيْ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ ».
٤٠. ثعالبی، الجواهر الحسان في تفسير القرآن، ج ٥، ص ٤٣١. «إلى ذكر الله هو وعظ الخطبة».
٤١. همان، ج ٥، ص ٥٢٣. « ولا تحصيل المعرفة إلا بدوام الفكر، ولا يحصل الأُنسُ إلا بالمحبة ودوام الذكر».
٤٢. قرطبي، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٨، ص ١٠٩. »
٤٣. همان، ج ١٨، ص ١١٠. « قَالَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ: الذِّكْرُ طَاعَةُ اللَّهِ تَعَالَى، فَمَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ ذَكَرَهُ وَمَنْ لَمْ يُطِغْهُ فَلَيْسَ بِذَاكِرٍ وَإِنْ كَانَ كَثِيرَ التَّسْبِيحِ ».
٤٤. مالك بن أنس، موطأ الإمام مالك، ج ١، ص ١٠٦.

٤٥. قرطبي، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، ج ٢٢، ص ١٩. « فِي هَذَا الْحَدِيثِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الذُّكْرَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَلَّا تَرَى أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ إِذَا قِيلَ مِائَةً مَرَّةً يَغْدِلُ عَشْرَ رِقَابٍ إِلَى مَا ذُكِرَ فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَمَحْوِ السَّيِّئَاتِ وَهَذَا أَمْرٌ كَثِيرٌ فَسُبْحَانَ الْمُتَفَضِّلِ ».

٤٦. عَنْكَبُوتِ / ٤٥.

٤٧. ابن عبد البر، الاستذكار، ج ٢، ص ٥١٧. « حَاكِيًا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى إِنْ ذَكَرْنِي وَحَدَهُ الْعَبْدُ ذَكَرْتُهُ وَحَدِي وَإِنْ ذَكَرْنِي فِي مَلَأُ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُ وَأَكْرَمَ ».

٤٨. زرقاني، شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك، ج ٢، ص ٤٠. « وَالذِّكْرُ هُوَ الْمَقْصُودُ الْأَسْنَى وَرَأْسُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهِيَ الْكَلِمَةُ الْعُلْيَا وَالْقَطْبُ الَّذِي تَدُورُ عَلَيْهِ رَحَى الْإِسْلَامِ وَالْقَاعِدَةُ الَّتِي بَنِيَ عَلَيْهَا أَرْكَانُهُ وَالشَّعْبَةُ الَّتِي هِيَ أَعْلَى شَعْبِ الْإِيمَانِ بِلِ هِيَ الْكَلِّ وَلَيْسَ غَيْرُهُ ».

٤٩. ابن جوزي، زاد المسير في علم التفسير، ج ٤، ص ٢٨٩.

٥٠. ثعلبي، الكشف والبيان، ج ٩، ص ٣١٥. « فَأَنَّهُ مَنْ يَصْلِحُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ وَيَكْفِيهِ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ ».

٥١. صابوني حنبلي، صفوة التفاسير، ج ٣، ص ٣٥١. « أَي فَاْمَضُوا إِلَى سَمَاعِ خُطْبَةِ الْجُمُعَةِ وَأَدَاءِ الصَّلَاةِ ».

٥٢. عبدالرزاق بن عبد المحسن البدر، كتاب الذكر والدعاء في ضوء الكتاب والسنة، ص ١٤٥. « وَالْمَرَادُ مِنَ الذِّكْرِ حُضُورِ الْقَلْبِ، فَيَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ هُوَ مَقْصُودُ الذَّاكِرِ فَيَحْرُصُ عَلَى تَحْصِيلِهِ، وَيَتَدَبَّرُ مَا يَذْكُرُ، وَيَتَعَقَّلُ مَعْنَاهُ؛ فَالْتَدَبُّرُ فِي الذِّكْرِ مَطْلُوبٌ ».

٥٣. أحمد بن محمد، الزهد، ص ١٣. « خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي، وَخَيْرُ الذِّكْرِ الْخَفِيُّ ».

٥٤. ابن حنبل شيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ١٨، ص ٢٤٩. « قُلْتُ، يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْعِبَادِ أَفْضَلُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ: «الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا».

٥٥. همان، ج ١٤، ص ٥٢٧. « عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " إِنْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَةٌ سَيَّارَةٌ فُضِّلًا، يَبْتَغُونَ مَجَالِسَ الذِّكْرِ، وَإِذَا وَجَدُوا مَجْلِسًا فِيهِ ذِكْرٌ، قَعَدُوا مَعَهُمْ، فَحَضَنَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِأَجْنِحَتِهِمْ، حَتَّى يَمْلَأُوا مَا بَيْنَهُمْ وَيَبَيِّنَ السَّمَاءَ الدُّنْيَا ».

٥٦. رعد / ٢٨.

٥٧. شيرازي، تفسير نمونه، ج ١٠، ص ٢٤٨-٢٤٩.

٥٨. طوسي، التبيان في تفسير القرآن، ج ٦، ص ٢٤٥.

٥٩. طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ١٦، ص ٧٠.

٦٠. كليني، اصول كافي، ج ٣، ص ٤١٧.

٦١. مجلسي، بحار الانوار، ج ٨٦، ص ٣٥١. « فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقُمْ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ ».

٦٢. حر عاملي، وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٣٩٥. « وَ لِتَهْيَأَ لِلْجُمُعَةِ، وَلِيَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ »؛ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١١٦.

٦٣. ماتريدي، تأويلات أهل السنة، ج ٧، ص ٥٧٤.

٦٤. همان، ج ١٠، ص ١٣.

۶۵. کشمیری، فیض الباری علی صحیح البخاری، ج ۲، ص ۴۱۴. « واعلم أنَّ الْجُمُعَةَ امتازت عن سائر الصَّلوات بشرطٍ إجماعًا. فلم يذهب أحدٌ منهم إلى التسوية بين الْجُمُعَةَ وسائر الصَّلوات.»
۶۶. سيد قطب، في ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۵۶۹.
۶۷. مظهری، التفسیر المظهری، ج ۹، ص ۲۸۱.
۶۸. زحیلی، التفسیر الوسيط، ج ۳، ص ۲۶۵۸.
۶۹. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۰۸.
۷۰. قاری حنفی، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۳، ص ۱۰۴۲.
۷۱. بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۱۷.
۷۲. مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲۸، ص ۱۰۲. « فاتركوا البيع واسعوا لتسمعوا موعظة الإمام في خطبته، وعليكم أن تمشوا الهوينى بسكينة ووقار حتى تصلوا إلى المسجد.»
۷۳. ابن كثير دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظيم، ج ۸، ص ۱۴۵. « إذا سمعتم الإقامة فامشوا إلى الصلاة وعليكم السكينة والوقار.»
۷۴. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثانی، ج ۱۴، ص ۲۹۳. « فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ أَي امشوا إليه وجعل ذلك في خصائص الجمعة.»
۷۵. بیهقی، السنن الكبرى، ج ۲، ص ۲۹۷. « ... كان له بكل خطوة عمل سنة اجر صيامها و قيامها.»
۷۶. رعد / ۲۸.
۷۷. نووی، شرح الأربعین، ص ۱۱. « فالسكينة التي ينزلها الله على الذاكرين هي ما يشعرون به من طمأنينة القلب، وارتياح النفس، وسعادة لا يعادلها شيء، فلو جئت إلى إنسان يملك الدنيا وهو قلق النفس مضطرب، فما قيمة هذه الدنيا عنده.»
۷۸. قرطبي، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۸، ص ۱۰۳. « وَلَقَدْ نُهْنَا أَنْ يَأْتُوا الصَّلَاةَ إِلَّا وَعَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَلَكِنْ بِالْقُلُوبِ وَالنِّيَّةِ وَالْخُشُوعِ.»
۷۹. همان، ج ۱۸، ص ۱۰۴. « أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَعَلَيْهِ الْجُمُعَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.»
۸۰. ابن عطية اندلسی، المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز، ص ۵، ج ۵، ص ۳۱۰.
۸۱. زرقانی، شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک، ج ۲، ص ۴۰.
۸۲. باجی الأندلسی، المنتقى شرح الموطأ، ج ۱، ص ۳۵۵. « قَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ لَكُمْ وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَأَرْكَأَهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَخَيْرِ لَكُمْ مِنْ إِعْطَاءِ الذَّهَبِ وَالْوَرَقِ وَخَيْرِ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى.»
۸۳. طبرانی، الدعاء للطبرانی، ص ۵۳۲. « لِأَهْلِ ذِكْرِ اللَّهِ أَرْبَعٌ: تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَتَحْفُفُ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَغْشَاهُمُ الرَّحْمَةُ، وَيَذْكُرُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَلَأَ عِنْدَهُ.»
۸۴. ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲، ص ۲۶۱.

٨٥. همان، ج ٤، ص ١٣٣. « فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ يَعْنِي الطَّمَأْنِينَةَ وَالرُّضَى حَتَّى بَايَعُوا عَلَى أَنْ يِقَاتِلُوا وَلَا يَفِرُّوا وَأَثَابَهُمْ أَى، عَوَّضَهُمْ عَلَى الرُّضَى بِقَضَائِهِ وَالصَّبْرَ عَلَى أَمْرِهِ فَتَحاً قَرِيباً».
٨٦. صابوني، صفوة التفاسير، ج ٣، ص ٣٥١. « إِذَا أَتَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَأَتَوْهَا وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ»؛ انصاري، التحفة الربانية فى شرح تجارة الدنيا ، فإن نفع الآخرة أجل وأبقى».
٨٧. ابن عبد البر، الاستذكار، ج ١، ص ٣٨١. « إِذَا أَتَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَأَتَوْهَا وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ»؛ انصاري، التحفة الربانية فى شرح الأربعين حديثاً النووي، ص ٨٣.
٨٨. أحمد الشامى، فقه العبادات الحنبلى، ج ١ ص ٢٧٦.
٨٩. عطية بن محمد سالم، شرح بلوغ المرام، ص ١١.
٩٠. همان، ص ١٣؛ شنقيطى، شرح زاد المستقنع، ص ١٤.
٩١. طبرسى، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ج ١٠، ص ١٢.
٩٢. حويزى، نورالتقلين، ج ٥/ ٣٥٤. « أَرَبَعُ خِصَالٍ يَفْسُدُنَ الْقَلْبُ وَ يَنْبِتُنَ النِّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يَنْبِتُ الْمَاءُ الشَّجَرَ، اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ».
٩٣. حر عاملى، وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٣٠٢.
٩٤. همان، ص ٣٠٣.
٩٥. مجلسى، بحار الأنوار، ج ٢، ص ٢٤٦.
٩٦. نسفى، مدارك التنزيل وحقائق التأويل. ج ١/ ٢١١؛ إسماعيل حنفى، غاية الأمانى فى تفسير الكلام الربانى، ج ١، ص ١٦١. « أَنْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي فَضَّلَ عَلَى سَائِرِ الْأَيَّامِ».
٩٧. ماتريدى، تأويلات أهل السنة، ج ١٠، ص ١٦.
٩٨. مظهرى، التفسير المظهرى، ج ٩، ص ٢٨٣. « مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَعَلِيهِ الْجُمُعَةُ ».
٩٩. مروزى، الجمعة وفضلها، ص ٨١.
١٠٠. قارى هروى، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج ٣، ص ١٠٢٤. « مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعَاتٍ مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ كُتِبَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ».
١٠١. مناوى، التيسير بشرح الجامع الصغير، ج ٢، ص ٤١٠.
١٠٢. همو، فيض القدير شرح الجامع الصغير، ج ٦، ص ١٠٢. « أَى اِهَانَةٌ وَعَدَلٌ إِلَى التَّفَاعُلِ دَلَالَةٌ عَلَى أَنَّ الْجُمُعَةَ شَأْنُهَا أَعْلَى رُتْبَةً مِنْ أَنْ يَتَصَوَّرَ فِيهِ اِهَانَةٌ بِوَجْهِهِ».
١٠٣. قارى حنفى، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج ٣، ص ١٠٢٤.
١٠٤. خازن بغدادى، لباب التأويل فى معانى التنزيل، ج ٤، ص ٢٩٢.
١٠٥. طنطاوى، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، ج ١٤، ص ٣٩٤.
١٠٦. آل غازى، بيان المعانى، ج ٦، ص ٢٦٣.
١٠٧. سيوطى، شرح السيوطى لسنن النسائى، ج ٣، ص ٨٨.

۱۰۸. ابن اثیر جزری، جامع الأصول فی أحادیث الرسول، ج ۵، ص ۶۶۶. « الطبع و الخیر واحد، والمراد، أنه بتركه الجمعة قد أغلق قلبه وختم عليه ، فلا يصل إليه شيء من الخير».
۱۰۹. سیوطی، حاشیة السندی على سنن النسائی، ج ۳، ص ۸۸. « قَالَ أَبُو الْبَقَاءِ هُوَ مَفْعُولٌ لَهُ وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مَصْدَرًا فِي مَوْضِعِ الْحَالِ أَيْ مُتَهَاوِنًا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ أَيْ خَتَمَ عَلَيْهِ وَعَشَّاهُ وَمَنَعَهُ الْطَّافَةَ؛ طوسی، مستخرج الطوسی على جامع الترمذی، ج ۳، ص ۱۴.
۱۱۰. عویضة، الضیاء اللامع من صحیح الكتب الستة وصحیح الجامع، ص ۲۱۴.
۱۱۱. ابن عربی مالکی، أحكام القرآن، ج ۴ ص ۲۵۲.
۱۱۲. همان، ص ۲۵۳. « لَا يُسْقِطُ الْجُمُعَةَ كَوْنُهَا فِي يَوْمِ عِيدٍ، خِلَافًا لِأَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ حِينَ قَالَ: إِذَا اجْتَمَعَ عِيدٌ وَجُمُعَةٌ سَقَطَ فَرَضُ الْجُمُعَةِ؛ لِتَقَدُّمِ الْعِيدِ عَلَيْهَا».
۱۱۳. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۸، ص ۱۰۶. «من ترك الجمعة ثلاثا من غير ضرورة طبع الله على قلبه».
۱۱۴. همان، ج ۱۸، ص ۱۰۵.
۱۱۵. ابن انس، الموطأ، ج ۲، ص ۱۵۵.
۱۱۶. ابن عبدالبر، الاستذكار، ج ۲، ص ۵۴. « وَالْخَتْمُ عَلَى الْقُلُوبِ مِثْلُ الطَّبْعِ عَلَيْهَا وَهَذَا وَعِيدٌ شَدِيدٌ لِأَنَّ مَنْ طَبَعَ عَلَى قَلْبِهِ وَخَتَمَ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفْ مَعْرُوفًا وَلَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا».
۱۱۷. سراج الدين حنبلي. اللباب في علوم الكتاب، ج ۱۹، ص ۸۸. « إِنَّ الْمُرَادَ بِالذِّكْرِ الصَّلَاةَ فَالْخَطْبَةُ مِنَ الصَّلَاةِ، وَالْعَبْدُ يَكُونُ ذَاكِرًا لِلَّهِ بِقَلْبِهِ كَمَا يَكُونُ مُسَبِّحًا لِلَّهِ بِفِعْلِهِ».
۱۱۸. ابن رجب حنبلي، روائع التفسير، «الجامع لتفسير الإمام ابن رجب الحنبلي» ج ۲، ص ۴۳۳. «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ تَهَاوِنًا ثَلَاثَ مَرَاتٍ طَبَعَ عَلَى قَلْبِهِ».
۱۱۹. شنيطى، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ج ۸، ص ۱۷۴. «عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ لِقَوْمٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ رَجُلًا يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أُحْرَقُ عَلَى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ يُبَيِّتُهُمْ»
۱۲۰. همان، ج ۸، ص ۱۷۴. « الْقَلْبُ كَالْكُوزِ مُجَحِّيًا لَا يَعْرِفُ مَعْرُوفًا، وَلَا يُنْكِرُ مُنْكَرًا».
۱۲۱. ابن رجب حنبلي، فتح الباری، ج ۵، ص ۳۲۶. « من ترك الجمعة تهاونا ثلاث مرات طبع على قلبه».
۱۲۲. ابن خلكال حنبلي، السنة، ج ۵، ص ۵۴. «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثًا تَهَاوِنًا بِهَا مِنْ غَيْرِ عَذْرِ طَبَعَ عَلَى قَلْبِهِ ، وَجُعِلَ قَلْبُهُ قَلْبٌ مُنَافِقٌ».
۱۲۳. ابن حنبل شيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۲۲، ص ۴۲۲. «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ طَبَعَ عَلَى قَلْبِهِ»..

فهرست منابع

۱. ۱۴۲۴ق.
۲. ابن أبی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنّف فی الأحادیث والآثار، تحقیق، کمال یوسف الحوت، مکتبة الرشد، چاپ اول، ریاض، ۱۴۰۹ ق.

٣. ابن اثير جزرى، مبارك بن محمد، جامع الأصول فى أحاديث الرسول، تحقيق، عبد القادر الأرئوط، چاپ اول، بيروت، مكتبة الحلوانى، ١٣٨٩ ق.
٤. ابن جوزى حنبلى، عبدالرحمن بن على، زاد المسير فى علم التفسير، تحقيق، چاپ اول، بيروت، عبد الرزاق المهدي، دار الكتاب العربى، ١٤٢٢ ق.
٥. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، تحقيق، سمير بن أمين الزهرى، چاپ هفتم، الرياض، دار الفلق، ١٤٢٤ ق.
٦. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله، الاستذكار، تحقيق، سالم محمد عطا، محمد على معوض، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ١٤٢١ ق.
٧. ابن عبد الله، صالح و ديكران، نضرة النعيم فى مكارم أخلاق الرسول الكريم، چاپ چهارم، جده، دار الوسيلة، بى تا.
٨. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله، الاستذكار، تحقيق، سالم محمد عطا، چاپ اول، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢١ ق.
٩. ابن عربى، محمد بن عبد الله، احكام القرآن، تحقيق، محمد عبد القادر عطا، چاپ سوم، بيروت، دار الكتب العلمية،
١٠. ابن عطيه اندلسى، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، تحقيق، عبد السلام عبد الشافى محمد، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٢ ق.
١١. ابن كثير دمشقى، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، تحقيق، محمد حسين شمس الدين، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ ق.
١٢. آلوسى، محمود بن عبد الله، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، تحقيق، على عبد البارى عطية، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق.
١٣. البدر، عبد الرزاق بن عبد المحسن، كتاب الذكر والدعاء فى ضوء الكتاب والسنة، چاپ اول، المملكة العربية السعودية، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ١٤٢٢ ق.
١٤. بيهقى، أحمد بن الحسين، السنن الكبرى، تحقيق، محمد عبد القادر عطا، مكة المكرمة، مكتبة دار الباز، ١٤١٤ ق.
١٥. بيضاوى، عبد الله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، تحقيق، محمد عبد الرحمن المرعشى، چاپ اول، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤١٨ ق.
١٦. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف والبيان، چاپ اول، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق.
١٧. حرّ عاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشيعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤٠٩ صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، تحقيق، محمد جواد الفقيه، چاپ دوم، بيروت، دارالاضواء، ١٤١٣ ق.

۱۸. حرعاملی، مُحَمَّد بن الحسن، وسائل الشیعة، تحقیق، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۹. خازن، علاء الدين على بن محمد، لباب التأويل في معاني التنزيل، تحقيق، تصحيح محمد على شاهين، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية ۱۴۱۵ق.
۲۰. زحيلي، وهبة بن مصطفى، التفسير الوسيط، دمشق، دار الفكر، ۱۴۲۲ق.
۲۱. زرقاني، محمد بن عبد الباقي، شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ق.
۲۲. سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، المحاضرات والمحاورات، چاپ اول، بيروت، دار الغرب الإسلامي، ۱۴۲۴ق.
۲۳. سيد قطب، إبراهيم حسين الشاربي، في ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بيروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۴. شنقيطي، محمد الأمين بن محمد، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق.
۲۵. شیرازی، ناصر مکارم، تفسیر نمونه، چاپ بیست و نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۲۶. شیبانی، أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق، شعيب الأرنؤوط و دیگران، چاپ اول، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۲۷. طبرانی، سليمان بن احمد، الدعاء للطبرانی، تحقيق، مصطفى عبد القادر عطا، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۳ق.
۲۸. طنطاوی، محمد سيد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، چاپ اول، القاهرة، دار النهضة، ۱۹۹۷م.
۲۹. طوسی، أبي على الحسن بن على، مستخرج الطوسی على جامع الترمذی، أو، مختصر الأحكام مستخرج الطوسی على جامع الأحكام، تحقيق، أنيس بن أحمد، چاپ اول، بيروت، مكتبة الغرباء الأثرية، ۱۴۱۵ق.
۳۰. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين: دار المعرفة، بيروت. بی تا.
۳۱. قاری علی بن محمد، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، چاپ اول، دار الفكر، بيروت، ۱۴۲۲ق.
۳۲. قرطبي، يوسف بن عبدالله، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق، مصطفى بن أحمد العلوي، مغرب، وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۳۸۷ق.
۳۳. قرطبي، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق، أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، چاپ دوم، القاهرة، دار الكتب المصرية، ۱۳۸۴ق.
۳۴. کشمیری، محمد انور شاه، فیض الباری علی صحیح البخاری، تحقیق: محمد بدر عالم المیرتھی، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.

٣٥. ماتريدى، محمد بن محمد بن محمود، تأويلات أهل السنة، تحقيق، مجدى باسلوم، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٦ق.

٣٦. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بيروت - لبنان، ١٤٠٣ ق.

٣٧. مروزي، أبو بكر أحمد بن على، الجمعة وفضلها، چاپ اول، عمان، تحقيق، سمير بن أمين الزهيري، ١٤٠٧ ق.

٣٨. مظهرى، محمد ثناء الله، التفسير المظهرى، تحقيق، غلام نبى التونسى، باكستان، مكتبة الرشدية، ١٤١٢ق.

٣٩. مظهرى، محمد ثناء الله، التفسير المظهرى، تحقيق: غلام نبى التونسى، مكتبة الرشدية، باكستان، ١٤١٢ق.

مناوى، عبد الرؤوف، التيسير بشرح الجامع الصغير، چاپ سوم، الرياض، مكتبة الإمام الشافعى، ١٤٠٨ ق.

